

نقد و نظر

ماهنامه فرهنگی / اجتماعی
بهمن ماه ۱۳۹۵
دوره جدید، شماره ۱۴۲ (پیاپی ۵۰۳)
قیمت ۲۰۰۰ تومان

امام آمد

هفته رفت



مناجات شهید چمران / ستاره‌شناسی / ورزش کبده
دانشمند ایرانی مسلمان، شیخ بهایی / برای زندگی ام
تکنیک‌های طلایی مدیریت زمان



۲۲ بهمن

دهه فجر انقلاب اسلامی مبارک باد



ماهنامه فرهنگی و اجتماعی
شماره ۱۴۲، بهمن ماه ۱۳۹۵
قیمت: ۲۰۰۰ تومان

○○○

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیر مسئول و سردبیر: محبوب شهبازی
مدیر اجرایی: خدیجه اکبری

○○○

دبیر تحریریه: دکتر بهنام زنگی
طراحی گرافیک و صفحه آرایی: آتلیه مهر نوروز
تصویرگر و طراح جلد: بهناز زنگی
ناظر فنی چاپ: یوسف قدیانی
امور فنی: آتلیه شاهد
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۸۲۸۴۳۵
آدرس الکترونیکی:
Email: nojavan@shahedmag.com
صندوق پستی: تهران ۱۵۷۱۵/۱۹۳

ناشر: انتشارات شاهد

تهران - خیابان طالقانی خیابان ملک الشعرای
بهار شمالی شماره ۵
تلفن: ۸۸۳۰۸۳۴۸

○○○

چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر
شاهد نوجوان برای نوجوانان ۱۱ تا ۱۶ سال
منتشر می شود. مجله در تلخیص و ویرایش
مطالب رسیده آزاد است. مطالب رسیده
باز گردانده نمی شود. نقل مطالب مجله با ذکر
مأخذ مجاز است

۴ سرورقال

۵ مناجاتنامه

۶ آسمانها

۸ لحظه های زندگی

۱۰ مرز و قچه

۱۲ علمی

۱۶ دانشمندان ایرانی

۱۸ هنر

۲۰ بازی فکری

۲۲ موزه های ایران

۲۴ روززنی

۲۶ حرارت ...

۲۷ بادواره

۲۸ سربز و آسمان

۳۰ جبرول

۳۱ سرگرمی

۳۲ زیبایی های ایران

۳۴ داستان مصور

۳۸ مساجد ایران

۴۰ یک دار و رزقان

۴۲ عجايب هفتلانه

۴۴ زنگار

۴۶ مهارت های زندگی

۴۸ سلامتی

۴۹ انجمنه سراجماران

۵۰ زنجار حیران

جشن انقلاب

در میان ماه‌های سال، ماهی هست که بچه‌های مدرسه آن را با پرچم‌های مثلی ایران، فانوس‌های رنگی، روزنامه دیواری، تئاترهای دانش‌آموزی، سرود، جشن و شادمانه‌هایی از جنس نوجوانی می‌شناسند. این فصل سرد با جشن‌های کوچک و بزرگ و برنامه‌های شاد برای بچه‌ها گرم می‌شود و مدرسه‌ها و کلاس‌های درس رنگ و بویی دیگر می‌گیرند.

بهمن، یازدهمین ماه سال است. بهمن، ماه این جشن‌ها و شادمانی‌هاست. بهمن، ماه پیروزی انقلاب اسلامی است. مردم ایران در سال ۱۳۵۷ در این ماه بود که طعم شیرین پیروزی را چشیدند و حاصل خون شهیدانی که جانشان را بر سر آرمان‌های انقلاب گذاشتند، به ثمر نشست.

اکنون سال‌هاست که مردم ایران در این ماه به پاس و یاد این پیروزی و گرمی‌داشت خاطره‌ایثار و جان‌فشانی شهیدانشان، جشن می‌گیرند. مردم ایران هر سال، ده روز بین دوازدهم بهمن را که مصادف با ورود امام خمینی (ره) به ایران بود، تا بیست و دوم بهمن که مصادف با پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی بود را جشن می‌گیرند و آن را دهه‌ی فجر می‌نامند.

سردبیر

مناجات شکایت چهره



«خدایا تو را شکر می‌کنم که دریا را آفریدی، کوه‌ها را آفریدی و من می‌توانم به کمک روح خود در موج دریا بنشینم و تا افق بی‌نهایت به پیش برانم و بدین‌وسیله از قید زمان و مکان خارج شوم و فشار زندگی را ناچیز نمایم. خدایا تو را شکر می‌کنم که به من چشمی دادی که زیبایی‌های دنیا را ببینم و درک زیبایی را به من رحمت کردی تا آنجا که زیبایی‌هایت را و پرستش زیبایی را جزیی از پرستش ذاتت بدانم. خدایا از تو می‌خواهم که طبع ما را آنقدر بلند کنی که در برابر هیچ چیز جز تو تسلیم نشویم. دنیا ما را نفریبد، خودخواهی ما را کور نکند. سیاهی گناه و فساد و تهمت و دروغ و غیبت، قلب‌های ما را تیره و تار ننماید. خدایا! به ما آنقدر ظرفیت ده که در برابر پیروزی‌ها سرمست و مغرور نشویم. خدایا به من آنقدر توان ده که کوچکی و بیچارگی خویش را فراموش نکنم و در برابر عظمت تو خود را نبینم».

تهیه‌کننده: رها شایگان

شهید نوجوان علیرضا کریمی



وارد مغازه شده بود. ایشان به آقا باقر اطمینان داده بودند که علیرضا دیگر مریض نمی‌شود و سفارش کرده بود پدر سفره حضرت ابوالفضل (ع) را برپا کند. بعد از خداحافظی ایشان، آقا باقر در خیابان دنبال ایشان گشته بود اما پیدایش نکرده بود. با سرعت به خانه آمده بود و حال با دیدن علیرضا که مشغول بازی بود با حیرت به آن جوان فکر می‌کرد.

علیرضا دیگر بعد از آن مریض نشد و ارادت عجیبی به حضرت ابوالفضل (ع) داشت. دبستان را در مدرسه عصر انقلاب (عصر پهلوی آن دوران) گذراند. در بحبوحه پیروزی انقلاب مقطع راهنمایی را در مدرسه شهید ارباب در خیابان حکیم نظامی اصفهان تا سال دوم گذراند و آن سال آخرین سال حضورش در مدرسه بود. در این دوران با راه‌اندازی انجمن اسلامی مدرسه، مشغول فعالیت‌های سیاسی شد و بارها از سوی ضدانقلاب‌ها مورد آزار و اذیت قرار گرفت. در کنار آن، جلسات قرآن و تبلیغات، برگزاری اردو و فعالیت برای خانواده شهدای انقلاب هم از فعالیت‌های دیگرش بودند. اهل قرآن خواندن بود. به نماز و مخصوصاً نماز شب اهمیت می‌داد. اهل غیبت و بدگویی از دیگران نبود. بسیار کم اما جامع

در روز ۲۲ شهریور سال ۱۳۴۵ در ایام مبارک ماه رمضان در محله سیچان اصفهان به دنیا آمد. نوزادی که امیدی به دنیا آمدنش نبود و دکترها گفته بودند خواهد مُرد. اما خدا خواست و ماند و افتخارآفرین و آسمانی شد. نامش را علیرضا گذاشتند. با گذشت چهار سال از عمر علیرضا آن‌قدر مریض و ضعیف بود که به‌جز شیر و مقدار زیادی دارو چیز دیگری نمی‌خورد. همیشه بالای سرش انواع قرص‌ها و شربت‌ها ردیف شده بودند و هنوز هم مثل یک بچه یک‌ساله بود. دکترهای زیادی او را ویزیت کردند، اما او حتی نان هم نمی‌خورد، قادر به راه رفتن نبود و همیشه یک گوشه نشسته یا خوابیده بود. آخرین دکتر هم امیدی به زنده ماندنش نداشت. کار مادر، همه‌اش گریه شد. پدر اما آرام‌تر بود و سفره حضرت ابوالفضل (ع) نذر کرده بود. آن شب کنار سفره نشست، قرآن و آیینیه گذاشت و شروع به دعا و توسل کرد. فردا، نزدیک ظهر، مادر صدای گریه علیرضا را شنید! گرسنه بود و نان می‌خواست! نه تنها نان، که دلش تخم‌مرغ هم می‌خواست. پدر به خانه آمد، رنگ‌پریده و با چشمانی خیس از اشک.

آن روز وقتی آقا باقر، پدر علیرضا، در مغازه مشغول به کار بوده، جوانی سبزپوش و زیباروی

سال ۱۳۷۶، حدوداً چهارده سال پس از شهادتش، به میهن بازگشت. همان موقعی که اولین کاروان ایران به‌طور رسمی راهی کربلا شد. علیرضا گفته بود که با باز شدن راه کربلا برمی‌گردد و اینک بازگشته بود. شب تاسوعا برگشت. همه هیئت‌ها آمده بودند تا این فدایی آقا ابوالفضل (ع) را تا گلستان شهدای اصفهان همراهی کنند.

«مسافر کربلا» نام کتابی است که به کوشش گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی منتشر شده و در سال ۱۳۹۲ به چاپ بیستم رسیده است. این کتاب، درباره زندگینامه و خاطرات شهید علیرضا کریمی و به روایت نزدیکان و دوستان علیرضا تالیف شده است. کتاب دارای نثری ساده و بی‌پیرایه است که زوایای گوناگون رفتاری، فکری و زندگی او را بیان می‌کند. آنگونه که برادرش آقا محمد می‌گوید علیرضا همواره حضور دارد. در زندگی ما، در زندگی دوستان و حتی غریبه‌ها و همیشه سعی در گشودن گره مشکلات دیگران داشته و دارد.

فریبا ایوبی



و کامل سخن می‌گفت. به افراد مستحق کمک می‌کرد. پدر به او آموخته بود که همه کارهایش فقط برای رضای خداوند باشند. علیرضا به فعالیت‌های ورزشی هم پرداخت و در ورزش رزمی پیشرفت کرد. حتی وقتی آوازه قهرمانی محمدعلی کَلّی پخش شده بود، در محل علیرضا را به‌خاطر توان بدنی و شباهت ظاهری‌اش با او، علی کَلّی صدا می‌کردند. او عقیده داشت مسلمان باید قوی و نیرومند باشد.

در سال ۱۳۶۰، با اصرار زیاد می‌خواست به جبهه برود اما خانواده می‌گفتند باید کمی بزرگتر شود. با این حال وسایلش را جمع کرد و برای دوره آموزشی جبهه رفت و بعد هم به کردستان اعزام شد. او فردی با استعداد بود، مدیر بود و روحیه فرماندهی بالایی داشت. پس از آن، راهی منطقه جنوب شد. آخرین باری که به جبهه می‌رفت به مادر گفت: «ما مسافر کربلاییم، راه کربلا که باز شد برمی‌گردیم.» علیرضا در گروهان حضرت ابوالفضل (ع) انجام وظیفه می‌کرد. حضرتی که همیشه مورد ارادت علیرضا بود و عاشقانه دوستش داشت. عملیات آخر در فکه بود. بیست و دوم فروردین ۱۳۶۲ بود. فردای عملیات، تنها ساک علیرضا به برادرش آقا محمد تحویل داده شد. دوست علیرضا با چشمانی گریان به آقا محمد گفت که علیرضا پس از زخمی شدن از دو پا، توسط تانک عراقی به شهادت رسیده است. حالا، برادر مانده بود و نگرانی رساندن خبر شهادت علیرضا به مادر. با رسیدن به اصفهان، جرات نمی‌کرد به خانه برود. سر کوچه، ناگهان پدر را دید. چند لحظه یکدیگر را نگاه کردند. پدر با صدایی لرزان گفت: «خوش به حال علیرضا که شهید شد!» پدر شب قبل، خوابش را دیده بود و خود علیرضا به او گفته بود که شهید شده است. حتی مادر هم می‌دانست! علیرضا در رویا نزد مادر آمده بود و خبر شهادتش را به او هم داده بود. اما، پیکر علیرضا بازنگشت. انگار در انتظار واقعه‌ای بود. در

خلاقیت

ارزشمند برای به دست آوردن امید، اعتماد به نفس و احساس خوشبختی دارد به همین دلیل در این شماره سه روش از روش‌های پرورش خلاقیت را به شما عزیزان آموزش می‌دهیم.

- زمان تماشای تلویزیون را به حداقل برسانید. همچنین استفاده از بازی‌های کامپیوتری و موبایل را نیز به حداقل ممکن برسانید زیرا غرق شدن تفکر در تماشای تلویزیون و بازی‌های کامپیوتری و موبایل باعث خستگی ذهن، بالا رفتن فشار مغز و اتلاف وقت می‌گردد که نهایتاً باعث در خود فرو رفتن و احساس خستگی و افسردگی می‌شود. به جای آن می‌توانید زمان خود را صرف نقاشی کردن، بازی با اسباب بازی‌ها و وسایل فکری مانند: سفالگری، پازل‌ها، لگو، دومینو، شطرنج، اسکیت، وسایل ساز و باز (قطعاتی که با آن‌ها اشکال مختلف ساخته می‌شود و

خلاقیت یک توانایی فکری است که باعث می‌شود افراد برای حل مسائل خود راهکاری جدید و بهتر در جهت رسیدن به هدفشان به کار ببرند. خلاقیت باعث تغییرات سازنده، یادگیری‌های جدید، بالا رفتن اعتماد به نفس و امیدواری به آینده‌ای روشن می‌گردد.

انسان‌های خلاق دارای اعتماد به نفس بالا هستند به همین دلیل در برابر مشکلاتشان به چاره اندیشی و یافتن راه حل‌های جدید و مناسب برای پیروزی و رسیدن به هدف می‌گردند که در نهایت احساس خوشبختی و موفقیت و شادی می‌کنند.

سن نوجوانی با تغییرات خاص جسمی و روحی خود برای به دست آوردن قدرت و توانایی زندگی لذت‌بخش و پرامید نیاز بیشتری به رشد و پرورش نیروی خلاقیت در تفکر برای یافتن راه حل‌های مناسب و



با ورزش‌هایی نظیر والیبال، فوتبال، ورزش‌های رزمی و... به پرورش خلاقیت خود پردازید و از لحظات زندگیتان لذت ببرید.

- در صورت شکست خوردن و یا اشتباه کردن سعی کنید علت شکست و اشتباهتان را پیدا کنید و از سرزنش درونی و مداوم یا احساس ناتوانی پرهیز کنید. به راه‌حل‌های مناسب و تلاش مثبت و مجدد برای رسیدن به اهدافتان بیاندیشید و از کلمات مثبت استفاده کنید. تمرین در مثبت اندیشی باعث پرورش احساس امیدواری به آینده و در نتیجه، ابداع راه‌حل‌های مناسب در حل مسائل روزانه می‌شود که نتیجه آن منجر به بالا رفتن اعتماد به نفس و نشاط و نهایتاً موفقیت‌های پی در پی خواهد شد.

منبع: روانشناسی تربیتی و پرورشی دکتر علی اکبر سیف
تلخیص و ویرایش: خدیجه اکبری

دوباره قطعات از هم جدا می‌شوند)، مگنت و نمایید.

استفاده از این‌گونه بازی‌ها باعث پرورش هماهنگی بین فکر، بینایی، دست‌ها و ابداع روش‌ها و ساخت‌های جدید می‌شود که در نهایت احساس رضایت، امید، شادی و آرامش را در پی خواهد داشت.

- ورزش علاوه بر ایجاد سلامتی و پیشگیری از بیماری‌های جسمی باعث پرورش تفکر خلاق می‌شود. ورزش علاوه بر ایجاد نشاط و شادی باعث می‌شود شما ذهنی باز و پر نشاط داشته باشید و با راهکارهایی که در بازی‌های ورزشی برای رسیدن به پیروزی می‌اندیشید باعث بالارفتن سرعت شما در تفکر، دقت در عمل و امیدواری و در نتیجه بالارفتن اعتماد به نفس شما شود. شما می‌توانید

حکایاتی از جوامع الحکایات

جوامع الحکایات و لوامع الروایات
کتابی است از محمد عوفی

بازنویسی: امیر زندی



حضرت سلیمان و خارپشت

حیوانی هست که با او مشورت نکرده باشیم؟ به یادش آمد که با خارپشت مشورت نکرده است. پس اسب را به نزد خارپشت فرستاد و او را فراخواند. خارپشت نیامد و امتناع کرد. سلیمان (ع) سگ را فرستاد. خارپشت آمد. سلیمان گفت: «پیش از آن که در کار خود با تو مشورت کنم، به من بگو که اسب را، که بعد از آدمی هیچ جانوری شریفتر از وی نیست، به طلب تو فرستادم و نیامدی و سگ که بی‌ارزش است فرستادم و آمدی. حکمت چه بود؟» خارپشت گفت: «به این

چنین آورده‌اند در قصص و تواریخ که وقتی جبریل (ع) به نزدیک سلیمان پیامبر (ع) قدحی آب حیات آورد و گفت: «آفریدگار تعالی تو را مخیر کرد به آن که این جام بخوری، تا قیامت زنده می‌مانی.» سلیمان درباره این موضوع با تمامی جن و انس و حیوانات مشورت کرد. همگی گفتند: «شایسته است از آن آب بخوری تا حیات جاودان بیابی.» سلیمان اندیشه کرد که آیا هیچ جنس

خیار تلخ

و از فضایل عادات و محاسن نظام‌الملک رحمه‌الله، آن بود که هرگاه تحفه‌ای به خدمت او آوردندی، هر کس که آنجا بود از آن نصیب می‌کرد. روزی یکی از باغبانان سه خیار برای او تحفه آورد. نظام‌الملک یکی از آن‌ها را خورد، تلخ بود. دو خیار دیگر را نیز بخورد و به هیچ کسی از آن خیارها نداد و آورنده آن باغبان را جامه نو و صد دینار زر داد و او بازگشت.

یکی از خاصان از او سوال کرد که «سبب چه بود که از این خیارها حاضران محروم ماندند و ما را از آن نصیب ندادی؟» گفت: «از آن سبب که از هر سه خیار او بچشیدم، تلخ بود و بخوردم. گفتم اگر به کسی دهم، به مرارت آن صبر نکند و بگوید که تلخ است و آن بیچاره از تحفه خود شرمزده شود. مرا حیا مانع آمد که کسی تحفه پیش من آورد و محروم و شرمزده گردد. به مرارت آن خیار تلخ صبر کردم تا دلخوشی آن بیچاره تلخ نگردد.»

دلیل که اسب اگرچه حیوانی شریف است اما وفا ندارد و سگ اگرچه بی‌ارزش به‌نظر می‌رسد اما وفادار است، که برای نانی که از کسی می‌گیرد همه عمر به او وفادار خواهد ماند. لاجرم به حرف بی‌وفایان نیامدم و به اشاره وفاداری آمدم.» سلیمان (ع) به او گفت: «برای من جامی از آب حیات فرستاده‌اند و مخیر گردانیده‌اند که اگر بخواهم بخورم و اگر خواهم رد کنم. همه کس اشارت کرده‌اند باید خورد، تو چه می‌گویی؟» گفت: «این جام، تو تنها خواهی خورد یا با فرزندان و اهل و دوستان؟» گفت: «نی، مرا تنها فرموده‌اند.» گفت: «پس صواب چنان می‌بینم که رد کنی و نخوری.» سلیمان (ع) گفت: «چرا؟» گفت: «از بهر آن که چون تو را زندگانی دراز بود، جمله دوستان و زن و فرزندان تو پیش از تو بمیرند و تو را به غم هر یکی هزار غم و ماتم روی نماید و چون یاران و دوستان تو بروند، بعد از آن، جهان بی ایشان خوش نبود و زندگی بی ایشان به چه کار آید؟» سلیمان (ع) این رأی را پسندید و آن شربت را رد کرد.



ستاره‌شناسی



ستاره‌ها از دیرباز برای بشر مملو از رمز و راز و همواره مورد توجه و کنجکاوی دانشمندان بوده‌اند. تا حدی که علاقه بشر به ستاره‌ها دانش اخترشناسی یا ستاره‌شناسی را پدید آورد. در دوره‌های تاریخی مختلف و در سرزمین‌های گوناگون، اعتقادات مختلفی نسبت به ستاره‌ها در بین مردم رواج داشته است.

در دوران باستان، مردم عقیده داشتند خطوط اصلی چهره قهرمانان، اساطیر و خدایان افسانه‌ای را می‌توانند در ستاره‌ها جست‌وجو کنند. مردم باستان، به این تصاویر و اشکال، صورت فلکی می‌گفتند. این مناطق بر روی آسمان مانند تقسیم‌بندی استان‌ها یا کشورهای مختلف بر روی نقشه است. در حال حاضر، هر نقطه‌ای از آسمان، احتمالاً متعلق به یک صورت فلکی است که تعدادی از ستارگان را در محدوده خود جای داده است. در بین تمدن‌های باستانی، اولین فرهنگ‌هایی که شروع به طبقه‌بندی آسمان کردند بابلی‌ها، هندی‌ها، یونانی‌ها، رومی‌ها، چینی‌ها و بومیان قاره آمریکا بودند. انسان‌های ساکن در نیمکره شمالی فقط ستارگان قابل‌رویت در این نیمکره را می‌دیدند و نامگذاری می‌کردند.

با توجه به نحوه شناخت بشر از ستاره‌ها، معمولاً نامگذاری صورت‌های فلکی باستانی بر اساس شکل آنها بود مثلاً صورت فلکی جبار و اسد. تعدادی از صورت‌های فلکی نوین از روی بعضی اختراعات مانند میکروسکوپ و تلسکوپ نامگذاری شدند. شکل‌ها (خطوط وصل‌کننده ستاره‌ها) اختیاری هستند و ممکن است روی نقشه‌های مختلف متفاوت باشند. تا قبل از سال ۱۹۳۰ میلادی (۱۳۰۹ شمسی) هرکسی هر قسمتی از آسمان را به‌طور دلخواه می‌توانست به هر اسمی بنامد اما ستاره‌شناسان جهان در سال ۱۹۳۰ تصمیم گرفتند نام‌های خاص به‌همراه مرزهای مشخصی برای صورت‌های فلکی انتخاب کنند که این حدود و اسم‌ها همان‌هایی است که امروزه در سطح جهان پذیرفته شده‌اند. از صورت‌های فلکی می‌توان به جبار، اسد، قوس، دب اکبر، دب اصغر و شکارچی اشاره کرد.

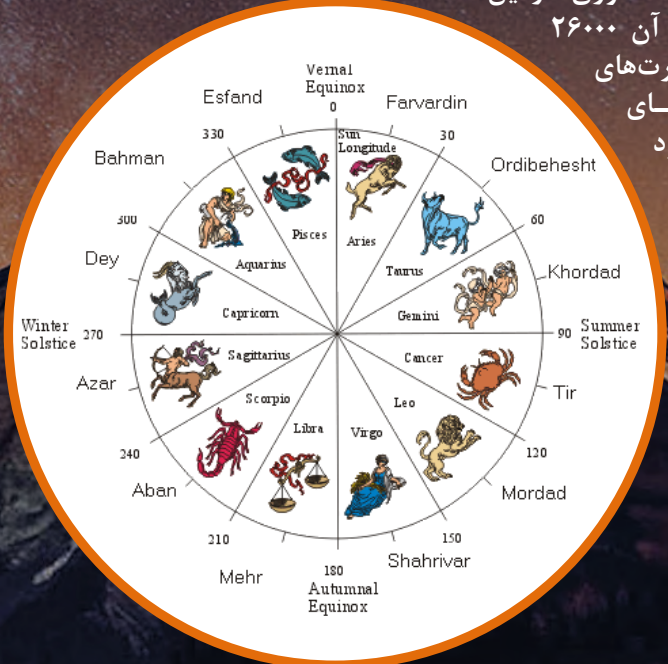


رصد ستاره‌ها امروزه به یکی از علاقمندی‌های علمی نوجوانان و جوانان تبدیل شده است و مراکز علمی شرایط لازم را برای بازدیدهای علمی و تورهای رصد ستارگان فراهم می‌کنند. رصد خانه‌ها یکی از مراکز مورد علاقه نوجوانان برای آشنایی با دنیای ستارگان هستند.

منطقه البروج و دایره البروج چیست؟

یکی از اولین مناطقی که شما در آسمان شب شناسایی خواهید کرد منطقه البروج و خط مرکزی آن یعنی دایره البروج است که درون آن زمین، خورشید، ماه و سیارات در حال عبور هستند. باید گفت ضمن اینکه کره زمین در مدار خود گردش سالانه دارد، خورشید هم مسیری را درون مسیر ستارگان می‌پیماید. به این مسیر، دایره البروج می‌گویند. در حدود قرن ۵ قبل از میلاد، بابلی‌ها دایره البروج را به ۱۲ قسمت ۳۰ درجه‌ای تقسیم کردند و به هر یک نامی دادند. نام تمام ۱۲ برج به جز یکی (میزان: ترازو) از اسامی جانداران گرفته شده است.

از حدود ۲۰۰۰ سال پیش، برای نامگذاری هر برج از نام صورت فلکی نسبتاً منطبق با آن در منطقه البروج استفاده شده است و امروزه به علت تقویم محوری زمین (که دور تناوب آن ۲۶۰۰۰ سال است)، صورت‌های فلکی با برج‌های فلکی همنام خود منطبق نیستند.



نام برج‌های دوازده‌گانه به ترتیب:



برج حمل: نخستین برج است که خط سیر خورشید در ماه فروردین به مدت ۳۰ روز و ۱۵ ساعت است. بنابراین، نام این برج در گاهشمار خورشیدی فروردین است و علامت آن نیز یک قوچ است.

برج ثور: دومین برج است که خط سیر خورشید در ماه اردیبهشت به مدت ۳۱ روز و ۲،۵ ساعت است. این برج در گاهشمار خورشیدی، اردیبهشت نام داشته و علامت آن نیز یک گاو است.

برج جوزا: سومین برج است که خط سیر خورشید در آت به مدت ۳۱ روز و ۹ ساعت است. برج جوزا را خرداد می‌نامند که شخصی است که در هر دستش شاخه گلی قرار دارد.

برج سرطان: چهارمین برج است که خط سیر خورشید به مدت ۳۱ روز و ۱۰ ساعت است. برج سرطان را در گاهشماری خورشیدی، تیر می‌نامند و علامت آن نیز یک خرچنگ است.

برج اسد: پنجمین برج است که در آن خط سیر خورشید در ماه مرداد به مدت ۳۱ روز و ۵ ساعت است. برج اسد را مرداد می‌نامند و علامت آن نیز یک شیر است.

برج سنبله: ششمین برج است که در این برج خط سیر خورشید به مدت ۳۰ روز و ۱۹ ساعت است. نام آن در گاهشمار خورشیدی شهریور است و علامت آن هم خوشه گندم است.

برج میزان: هفتمین برج است که در آن خط سیر خورشید به مدت ۳۰ روز و ۶ ساعت است. در گاهشمار خورشیدی مهر نام دارد و علامت آن هم یک ترازو است.

برج عقرب: هشتمین برج است که خط سیر خورشید به مدت ۲۹ روز و ۱۹ ساعت است. نام آن در گاهشمار خورشیدی آبان است و علامت آن هم یک عقرب است.

برج قوس: نهمین برج است که خط سیر خورشید به مدت ۲۹ روز و ۱۲ ساعت است. نام آن در گاهشمار خورشیدی آذر و علامت آن نیز کمان است.

برج جدی: دهمین برج است با خط سیر خورشید به مدت ۲۹ روز و ۱۰ ساعت. نام آن در گاهشمار دی و علامت آن هم یک بز است.

برج دلو: یازدهمین برج است با خط سیر خورشید به مدت ۲۹ روز و ۱۶ ساعت. نام این برج در گاهشمار بهمن است و علامت آن هم یک دلو است.

برج حوت: دوازدهمین و آخرین برج است که خط سیر خورشید به مدت ۳۰ روز و ۲ ساعت تست. در گاهشمار خورشیدی آن را اسفند می‌نامند و علامت آن نیز یک ماهی است.

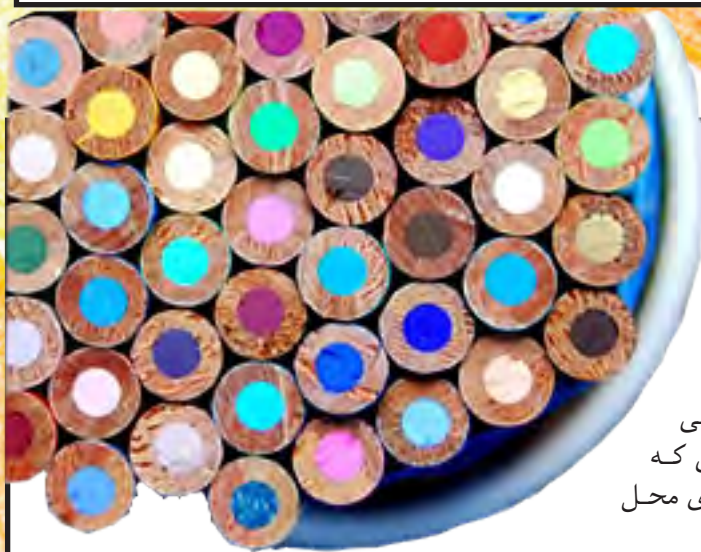
تهیه‌کننده: امین نوری
منابع:
- صورت‌های فلکی،
نویسنده: گری مکلر،
مارک چارترلند: مترجم
احمد دالکی
- صورت‌های فلکی و
نشانه‌های نجومی، اریک
اوبلاکر: مترجم: بهروز
بیضایی.
- دانشنامه رشد

تاریخ‌های نجومی	ساعت میانگین حلول	ماه‌های خورشیدی	نام لاتین	برج
۱ فروردین - ۳۰ فروردین	صفر بامداد اول فروردین	فروردین	Aries	حمل
۳۱ فروردین - ۳۰ اردیبهشت	۱۰:۵۸ روز ۳۱ فروردین	اردیبهشت	Taurus	ثور
۳۱ اردیبهشت - ۳۱ خرداد	۱۰:۰۳ روز ۳۱ اردیبهشت	خرداد	Gemini	جوزا
۱ تیر - ۳۱ تیر	۱۷:۵۶ روز ۳۱ خرداد	تیر	Cancer	سرطان
۱ مرداد - ۳۱ مرداد	۰۴:۴۹ روز ۱ مرداد	مرداد	Leo	اسد
۱ شهریور - ۳۱ شهریور	۱۱:۵۶ روز ۱ شهریور	شهریور	Virgo	سنبله
۱ مهر - ۱ آبان	۰۹:۳۷ روز ۱ مهر	مهر	Libra	میزان
۲ آبان - ۱ آذر	۱۹:۰۳ روز ۱ آبان	آبان	Scorpius	عقرب
۲ آذر - ۳۰ آذر	۱۶:۴۲ روز ۱ آذر	آذر	Sagittarius	قوس
۱ دی - ۳۰ دی	۰۶:۰۶ روز ۱ دی	دی	Capricornus	جدی
۱ بهمن - ۲۹ بهمن	۱۶:۴۴ روز ۳۰ دی	بهمن	Aquarius	دلو
۳۰ بهمن - آخر اسفند	۰۶:۵۲ روز ۳۰ بهمن	اسفند	Pisces	حوت

بهتر ببینیم: مداد

«... روزی رسید که مداد کوتوله برای آخرین بار تراشیده می‌شد. افسوس، تنها چیزی که از او می‌ماند یک قصه دیگر و کوتاه‌ترین قصه بود. آخرین قصه‌ای که مداد کوتوله نوشت، قصه زندگی جاودانه بود. صبح روز بعد او داخل سطل زباله افتاد. خویشاوندان رنگارنگش با احساس تاسف از مداد کوتوله یاد می‌کردند اما غمگین و متاثر نبودند. آنها همچنان در غرور و نخوت خود، منتظر افکار مهمی بودند که زیر آنها خط بکشند و چون افکار مهم خیلی کم پیدا می‌شود پس همچنان بزرگ مانده بودند.»*

(*برگرفته از داستان: قصه‌های پریا و مداد کوتوله. کتاب قصه‌های پریا. نوشته یوگنی کلیوف. نشر آرویج)



شما تا به حال به مدادهای کوچک، مدادهای بزرگ، مدادهای سیاه و مدادهای رنگی خود دقت کرده‌اید؟ داستان‌های نوشته‌شده با این مدادها، اتفاقات، درس‌ها، نمره‌های خوب و نمره‌های بد. مدادهای ما، با همه خصوصیاتشان، از وقتی که آنها را در دست گرفتیم و روی دیوارهای خانه، درها و وسایل دیگر را خط‌خطی کردیم و نقاشی کشیدیم همراه ما بوده‌اند؛ حتی قبل‌تر از آن، زمانی که انسان اولیه یاد گرفت با مواد رنگی روی دیواره‌های محل سکونتش نقاشی بکشد.

شکل امروزی مدادها مرهون کشف معادن گرافیت در انگلستان در سال‌های ۱۵۰۰ میلادی و سپس اختراع یک زوج ایتالیایی است که گرافیت را در میان دو تکه چوب گذاشتند و مداد امروزی اختراع شد.

این همراهان همیشگی، در دو دسته کلی مدادهای معمولی و مدادهای نوکی یا فشاری قرار می‌گیرند که گرچه طرز ساختشان متفاوت است اما مواد تشکیل‌دهنده مغزی آنها یکی است؛ یعنی ترکیبی از گرافیت، خاک رُس و آب. مدادها بیشتر گرد هستند، گاهی ۳ گوش، ۴ گوش و ۶ گوش. سطحی صاف دارند و گوشه‌دارها هم از روی میز سُر نمی‌خورند. با یک نگاه کوچک به جامداتی‌های خود می‌بینیم که مدادهای سیاه یا گرافیتی پرکاربردترین مدادها هستند که مغزشان بسته به میزان خاک رسی که با گرافیت ترکیب می‌شود درجه سختی‌های متفاوتی دارد. مدادهای سخت با نشانه H، مدادهای متوسط HB و F و مدادهای نرم نیز با نشانه B مشخص می‌شوند که کاربردشان در طراحی، ترسیم نقشه‌ها و یا نقاشی‌ها متفاوت است.

و اما مدادهای رنگی؛ مدادهای هیجان‌انگیز با رنگ‌های زنده و زیبا که همیشه داشتن یک جعبه مدادرنگی با بیشترین رنگ‌ها خواسته همه ما بوده است. ترکیب مغزی مدادهای رنگی با مداد سیاه کمی متفاوت است که از نوعی موم، ماده رنگی و نوعی خاک رس (کائولین) و بدون گرافیت ساخته می‌شوند.



مراحل ساخت مداد:

مدادها از هر نوع، جنس و رنگی که باشند مراحل مشابهی را در ساخت طی می‌کنند.

ساخت مغزی استوانه‌ای شکل

آماده‌سازی چوب و برش دادن آن، ایجاد شیار بر روی چوب

قراردادن مغزی در شیارها، چسباندن نیمه دیگر چوب و تشکیل یک مداد

در نهایت مدادها جلا داده می‌شوند، رنگ مورد نظر بر روی آنها زده می‌شود و دست آخر هم نشانه شرکت تولیدکننده بر روی آنها حک می‌شود.

انتخاب مداد:

اینکه گاهی می‌بینیم بعضی از دانش‌آموزان همیشه از نوع خاصی مداد استفاده می‌کنند، نشان می‌دهد که آنها تجربه استفاده از چندین نوع مداد را داشته‌اند تا در آخر نوع خاصی را انتخاب کرده‌اند. برای اینکه کمی از تعداد این آزمایش‌های مدادی کم کنیم، موقع خرید به چند نکته توجه می‌کنیم:

یک مداد خوب: مغزی‌اش به راحتی نمی‌شکند، موقع تراش، تراشه‌ها ریزریز نمی‌شوند، مغزی آن محکم است، سطح آن صاف است، مغزی آن در وسط است، مغزی بیرون زده نیست و اینکه مداد شفاف و براق است.

در طول سالیان سال، مدادهای زیادی تولید شده‌اند؛ مثل مداد کوتوله داستان ما. مداد کوتوله، مثل همه مدادهای دنیا، قصه‌های زیادی نوشت و در نهایت، قصه جاودانگی او ماندگار شد. ما هم یک‌بار دیگر به مدادهایمان نگاه کنیم، آنها را دوست داشته باشیم و سعی کنیم از همین حالا با بهتر دیدن و یادگرفتن، شروع به نوشتن بهترین داستان زندگی خود کنیم.



سیما کریمی

۹H	۸H	۷H	۶H	۵H	۴H	۳H	۲H	H	F	HB	B	۲B	۳B	۴B	۵B	۶B	۷B	۸B	۹B
سخت ترین	→									→					→				نرم ترین

درجه سختی و نرمی، مدادها

نام شریفش «محمد» و لقبش
«بهاءالدین» و شهرتش
«بهایی» یا «شیخ بهایی»



دانشمند ایرانی مسلمان

دختر شیخ علی منشار بود. در باره ایشان گفته شده که شیخ بهایی زنی دانشمند داشت که عالم و فقیه بود و زنان نزد او درس می‌خواندند.

شیخ بهایی مردی سرشار از نبوغ بود و بیش از یک‌صد کتاب و رساله کوچک و بزرگ نوشت. او از همان کودکی توانایی بحث علمی داشت. در سیزده‌سالگی کتابی را با عنوان «رسائل عزالدین حسینی» بازنویسی کرد و در شانزده‌سالگی نیز نسخه کتابی به نام «اشکال التاسیس» تالیف قاضی‌زاده رومی را نوشت. او در سن ۲۲ سالگی کتاب «الفوائد الصمدیه» را تالیف کرد که هنوز بعد از پنج قرن در حوزه‌های علمی مورد استفاده طلاب است.

زندگی شیخ بهایی را در چند بخش می‌توان مطالعه کرد: زندگی اجتماعی، زندگی سیاسی و سیر و سیاحت.

درباره احوال و رفتار شیخ بهایی گفته‌اند که او رفتاری ملایم و عوام‌پسندانه داشت و اغلب قشرهای جامعه او را از آن خود می‌دانستند و به وجودش افتخار می‌کردند. در زمان شاه‌عباس نیز، او به دستگاه حکومتی شاه‌عباس نزدیک بود و شخصیت علمی و ادبی و اخلاق و پارسای او باعث شد تا آخر عمر در منصب «شیخ‌الاسلام» به رفع امور مردم بپردازد. شیخ بهایی را از نزدیک‌ترین علمای زمان به شاه‌عباس دانسته‌اند. شاه‌عباس حضور و همراهی شیخ را بسیار مغتنم می‌شمرد و در امور مختلف، از قضاوت شرعی گرفته تا کارهای سیاسی و اجتماعی گوناگون، شیخ را که مورد اعتماد او بود مورد مشورت قرار می‌داد. در سفرها با شیخ بود و حتی خود به خانه شیخ می‌رفت تا با او مشورت کند. شیخ در فاصله سال‌های ۹۹۴ تا ۱۰۰۸ قمری سفرهایی

در غروب روز چهارشنبه سه روز مانده از ذی‌الحجه سال ۹۵۳ هجری در شهر بعلبک^۱ خداوند به حسین عبدالصمد فرزندی عطا کرد که بعدها آوازه‌اش در سرزمین‌های عرب و عجم پیچید و نامش در دفتر تاریخ‌نویسان ثبت شد. بهاءالدین تا مدتی به‌همراه خانواده در بعلبک زندگی می‌کرد و در سال ۹۶۵ هجری به‌نگام مهاجرت پدر در سن دوازده‌سالگی به‌همراه خانواده به ایران آمد. آن‌ها ابتدا در اصفهان ساکن شدند و پس از سه سال به طرف قزوین که در آن زمان پایتخت صفویان بود حرکت کردند. شاه طهماسب صفوی به‌گرمی از آن‌ها استقبال کرد و آن‌ها در قزوین ساکن شدند. وقتی او ۱۷ ساله بود، پدرش به توصیه شیخ علی منشار از سوی شاه طهماسب به شیخ‌الاسلامی قزوین منصوب شد. ۱۴ سال بعد، پدر شیخ برای زیارت خانه خدا از ایران خارج شد اما در بحرین درگذشت. بهاءالدین نزدیک به پانزده سال در شهر قزوین به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. البته، اولین معلم او پدرش حسین عبدالصمد بوده است که علوم عربی، فقه، تفسیر و اخلاق را به او یاد داد. بعد از پدر، حکمت، کلام و برخی از علوم دیگر را از شیخ عبدالله مدرس یزدی فراگرفت و نزد سایر اساتید نیز ریاضیات، فلسفه و طب را آموخت. حاصل این یادگیری‌ها نوشتن کتاب‌ها و تربیت شاگردان بسیاری شد که آن‌ها نیز باعث ماندگاری هرچه بیشتر نام استاد خود شدند. همسر شیخ بهایی نیز

۱. بقایای این شهر، هم‌اکنون در کشور لبنان موجود است.

هم به خارج از قلمروی صفویه داشت. این سفرها برای زیارت، سیاحت، دانش‌اندوزی و همچنین به گفته برخی مورخان به سفارت سیاسی بوده است. مکه، مصر و شام از جمله مقاصد این سفرها بوده‌اند.

گفته شده که روزی شیخ بهایی با جمعی از همراهان از قبرستانی می‌گذشت. هنگامی که از کنار قبر بابا رکن‌الدین عارف مشهور عبور می‌کرد ناگاه تغییر حالت داد و از همراهان پرسید آیا آنچه من شنیدم را شما نیز شنیدید؟ همگی اظهار بی‌اطلاعی کردند. با حالتی پریشان به خانه برگشت و تا چند روز در محافل حاضر نشد و جلسات بحث را تعطیل کرد. کمتر از شش ماه بعد به بیماری مبتلا شد، بیماری‌اش یک هفته طول کشید و در یازدهم شوال سال ۱۰۳۰ دار فانی را وداع گفت. بعدها به شاگردانش گفته بود که در آن روز صدایی از قبر بابا رکن‌الدین شنیده که به او گفته: ای شیخ به فکر خود باش. بنابر وصیت خودش پیکر او را به مشهد بردند و در کنار آرامگاه علی‌بن موسی‌الرضا به خاک سپردند. امروزه آرامگاه وی بین مسجد گوهرشاد و صحن آزادی و رواق امام خمینی در رواقی که به یاد او نامگذاری شده قرار دارد.

از سال ۱۳۸۳ شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان جشنواره‌ای به نام شیخ بهایی برگزار می‌کند. موضوع این جشنواره فن‌آفرینی و کارآفرینی است و برگزارکنندگان آن معتقدند شیخ بهایی نمادی از کارآفرینی است که در عصر خود دانش را به فن‌آوری تبدیل کرده است. همچنین به پاس خدماتش در علم ستاره‌شناسی، سازمان یونسکو سال ۲۰۰۹ میلادی را به نام وی ثبت کرد. نامش همواره ماندگار باد.

مریم زندگی

در میان آثار بی‌شمار شیخ، می‌توان از جامع عباسی، الزبده فی الاصول، اربعین، مثنوی سوانح الحجاز (مثنوی نان و حلوا)، صمدیه و کشکول را نام برد. آثار برجسته‌ای که او پدید آورد هم به نثر و هم به نظم بودند و علاوه بر فارسی و عربی، شامل ترکی هم می‌شدند. اشعار فارسی او شامل مثنوی، غزل و رباعیات است. ویژگی مشترک اشعار شیخ بهایی، میل شدیدش به زهد و تصوف و عرفان است. گذشته از شخصیت ادبی شیخ بهایی، وی در زمینه خدمات علمی و عمرانی نیز فعالیت بسیار داشت. مهارت او در ریاضیات، معماری و مهندسی معروف بوده و از مهم‌ترین خدماتش در رونق دادن به شهر اصفهان تعیین سمت قبله مسجد شاه اصفهان است. از کارهای دیگرش، تقسیم اب زاینده‌رود به محله‌های اصفهان و روستاهای مجاور رودخانه و همچنین ساختن گلخن^۱ گرمابه‌ای است که امروزه در اصفهان به حمام شیخ‌بهایی معروف است. وی منارجنبان اصفهان را طراحی کرد، طراحی کاریز^۲ نجف آباد- اصفهان را انجام داد، معماری مسجد شاه اصفهان، مهندسی حصار نجف و شاخص تعیین اوقات شرعی را نیز به او نسبت می‌دهند.

۱. تون حمام، محل آتش و هیزم حمام
۲. قنات

تئاتر کودک و نوجوان

هنر



را به خاطر بسپارد. در مقابل، غم و ترس، حالت‌هایی چون اضطراب و فشار عصبی ایجاد می‌کنند و نوجوانان از نظر روحی وادار به واکنش می‌شوند. در این مواقع یادگیری به حداقل می‌رسد، زیرا مغز به شدت درگیر رفع حالت نامطلوب پیش آمده می‌شود. این اثرات زیان بار، بسته به میزان شدت آن تا مدت‌ها در ذهن کودکان و نوجوانان باقی می‌ماند.

نمایش ویژه نوجوانان و کودکان باید دارای داستانی ساده با مضمون مناسب همراه با ریتم تند و شاد باشد. یکی از ویژگی‌های مهم این نوع نمایش درگیر کردن بیننده در نمایش با یک پرسش و پاسخ یا از راه‌های دیگر است. استفاده از رنگ‌های شاد، مدت زمان کوتاه نمایش، دیالوگ‌های ساده و ... به قابل فهم شدن برای کودکان کمک می‌کند. هدف فقط وارد شدن به دنیای کودک یا نوجوان نیست، بلکه باور او از مسایل مطرح

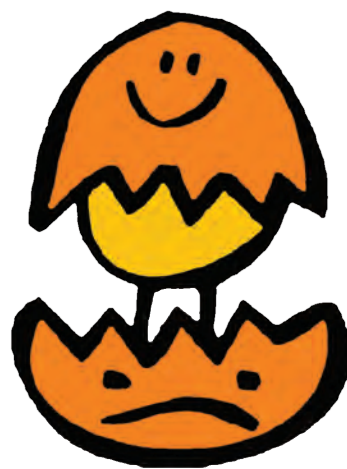
تئاتر کودک و نوجوان به نمایشی گفته می‌شود که ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی خاص نوجوانان و کودکان را دارا باشد و با توجه به احساسات درونی آن‌ها طراحی و اجرا شود. امروزه از نمایش به عنوان قویترین قالب هنری در جهت پرورش کودکان و نوجوانان یاد می‌کنند. آشناترین وسیله هنری با روان و روحیه کودک و نوجوان همانا نمایش است؛ چرا که بچه‌ها از کودکی با بازی زندگی می‌کنن و بزرگ می‌شوند.

شادی در نوجوان خلاقیت، قدرت آفرینش، ایجاد امنیت و ثبات فکری و میل به زندگی تولید می‌کند. او در شادی یاد می‌گیرد همه را دوست بدارد و با دیگران مهربان باشد. او در ساختن دنیای آینده خود نیاز به انرژی و پشتوانه دارد که می‌توان این انرژی را با شادی و زیبایی در او ایجاد کرد. برانگیختن احساس شادی در نوجوان، او را یاری می‌کند که در فضایی زیبا و به یاد ماندنی، نصایح

شده و نگه داشتن آن در ذهن او به گونه‌ای ملموس هم باید مورد توجه باشد.

از هنرمندان شناخته شده ایران که در زمینه تئاتر کودک و نوجوان کار می‌کنند می‌توان به بهروز غریب‌پور، رضا فیاضی، پرستو گلستانی، رحمت امینی و ... اشاره کرد.

تالار هنر شهر تهران که یکی از سابقه‌ترین تالارهای نمایشی پایتخت است از سال ۱۳۸۹ به شکل رسمی به تالار اختصاصی تئاتر کودک و نوجوان اختصاص یافته است و تاکنون آثار بسیاری در این تالار به روی صحنه رفته است.



جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان

ایران بنیانگذار یکی از رویدادهای مهم بین‌المللی در زمینه تئاتر کودک و نوجوان است. جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان به عنوان یکی از باسابقه‌ترین جشنواره‌های تئاتر کشور برای اولین بار در سال ۱۳۷۰ در شهر همدان با عنوان جشنواره تئاتر امید آغاز به کار کرد. بعد از چند دوره برگزاری این جشنواره تعطیل شد و یک سال در شهر کرمان برگزار شد. بعد از یک وقفه دوباره این جشنواره از سال ۱۳۸۲ در شهر اصفهان آغاز به کار کرد و جشنواره سیزدهم به شکل بین‌المللی برگزار شد. این جشنواره تا سال ۱۳۸۹ یعنی شانزدهمین دوره در شهر اصفهان برگزار شد و سپس با تقاضای هنرمندان و مسئولان شهر

همدان به این شهر انتقال یافت. از دوره هفدهم این جشنواره در شهر همدان برگزار می‌شود.

امسال نیز در آستانه یکصد سالگی تئاتر کودک و نوجوان ایران طبق روال سال‌های گذشته، دوره بیست و سوم این جشنواره بین‌المللی در آذر ماه در شهر همدان با شکوه و استقبال فراوان خانواده‌ها و مخاطبان برگزار شد. یکی از مهمترین برنامه‌های بیست و سومین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان همدان، برگزاری بزرگداشتی با نام شب استاد جبار باغچه‌بان به عنوان اولین هنرمند تئاتر کودک و نوجوان در ایران، در تالار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان همدان بود. زنده یاد جبار باغچه‌بان نخستین چهره فرهنگی ایران است که سال ۱۲۹۸ اولین تئاتر کودک و نوجوان را در کودکستانی در تبریز اجرا کرد و جشنواره تئاتر کودک و نوجوان در آستانه صد سالگی این رویداد، شبی را به نام این هنرمند و با گرامیداشت یاد و خاطره او برگزار کرد. جبار باغچه‌بان بنیان‌گذار نخستین کودکستان و نخستین مدرسه ناشنوایان ایران در تبریز است و همچنین اولین مؤلف و ناشر کتاب کودک در ایران به‌شمار می‌رود.

بخش صد سالگی تئاتر کودک و نوجوان با همکاری بنیاد نمایشی کودک به مناسبت پیشواز صدسالگی تئاتر کودک و نوجوان در ایران و اولین اجرای نمایشی توسط زنده یاد باغچه‌بان به شکل ویژه در جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان امسال در همدان برگزار شد. جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان به عنوان یک جشنواره با سابقه به جهت شکل و شیوه برگزاری و اقبال عمومی مخاطب به‌خصوص خانواده‌ها و کودکان و نوجوانان به عنوان یک رویداد مهم و تاثیرگذار در روند فعالیت هنرهای نمایشی شناخته می‌شود. این جشنواره در ۱۰ بخش تخصصی کودک، نوجوان، خردسالان، خیابانی، مسابقه نمایشنامه‌نویسی و نمایشنامه خوانی، مسابقه عکس و پوستر تئاتر، تئاتر بین‌الملل، تئاتر دانش‌آموزی، بخش ویژه شامل صدسالگی تئاتر کودک و نوجوان در ایران، کارگاه‌های آموزشی و نشست‌های تخصصی برگزار می‌شود.

شادی در
نوجوان
فلاقیات،
قدرت
آفرینش،
ایجاد امنیت
و ثبات فکری
و میل به
زندگی تولید
می‌کند



فرد باید دوباره هر وجه را به رنگ اولیه بازگرداند. این مکعب در هر وجه دارای ۹ قطعه است یعنی یک مکعب $3 \times 3 \times 3$ است. البته در سال‌های بعد، مکعب‌های دیگری نیز ساخته شدند مانند $2 \times 2 \times 2$ با نام مکعب جیبی یا مکعب یخی، $4 \times 4 \times 4$ با نام انتقام روبیک یا مکعب استاد، $5 \times 5 \times 5$ با نام مکعب پروفیسورها. امروزه تا مکعب $17 \times 17 \times 17$ هم ساخته شده است.

این بازی خیلی سریع در دنیا فراگیر شد. شخصی به نام «دیوید ساینمستر» کتابی را نوشت که در آن روش حل مکعب توضیح داده شده بود و پس از آن راه‌های جدید دیگری نیز کشف شدند. در ایران کتابی با نام «اسرار مکعب روبیک» به تالیف دکتر سیاوش شهشهانی منتشر شد که با نگرش به نظریه گروه‌ها روشی را در کتاب آموزش داده بود که هر الگوی خاصی را می‌شد در مکعب به‌وجود آورد، این روش که به نام (۳OP) معروف است سال‌های بعد در مکعب روبیک با چشم بسته به‌کار گرفته شد. پس از آن کیورهای حرفه‌ای (افرادی که مکعب روبیک را حل می‌کنند) روش‌های بسیاری را کشف و ارایه کردند که دنیای مکعب روبیک را بیش از پیش وسعت بخشیدند. مکعب روبیک به‌عنوان یک وسیله کمک آموزشی مناسب در کشورهای بسیاری برای تمرکز بیشتر، تجسم سه‌بعدی، کنترل استرس و کمک

آیا تا به حال مکعب روبیکتان را از حالت اول خارج کرده‌اید که نتوانسته باشید دوباره آن را حل کنید و مدام در ذهنتان دنبال راه حل آن باشید؟ یا اینکه جزو کسانی هستید که الگوهای خاص حل مکعب را یاد گرفته و آن را حل می‌کنند؟ این اسباب‌بازی یا جورچین (پازل) که تا حالا وقت بسیاری از ما را به خود اختصاص داده و گاهی هم آن را نیمه‌کاره رها کرده‌ایم از پر فروش‌ترین اسباب‌بازی‌های جهان شده است. این مکعب خوش آب و رنگ، در سال ۱۹۷۴ میلادی توسط پروفیسور معمار و مجسمه‌ساز مجارستانی، آقای «ارنو روبیک» ابداع شد تا برای درک اشیای سه‌بعدی به دانشجویانش کمک کند. مکعب اولیه که با چوب ساخته شده بود، «مکعب جادویی» نام داشت که در اداره اختراعات مجارستان ثبت شد. در سال ۱۹۸۰ میلادی نام این مکعب را به افتخار سازنده آن، «مکعب روبیک» گذاشتند و برنده جایزه ویژه بهترین جورچین جهان هم شد.

مکعب روبیک استاندارد، دارای ۶ وجه با رنگ‌های متفاوت و مجموعاً ۲۶ قطعه کوچک است که پس از به‌هم ریخته‌شدن قطعات،





در دومین دوره مسابقات کیوب کامپ (بهشتی ۲۰۱۵) ۸۰ درصد شرکت کنندگان در مسابقه از این روش استفاده کردند که مورد توجه نمایندگان جهانی در گزارش مسابقه شدند.

باید گفت برای یادگیری مکعب به طور معمول ابتدا باید الفبای حرکات آن را فراگرفت و سپس الگوریتم‌های هر مرحله را با چندین بار اجرا به حافظه سپرد تا بتوانید مکعب را بدون نگاه کردن به الگوریتم‌ها حل کرد. اما آنچه مسلم است مکعب روبیک به عنوان یک وسیله کمک آموزشی و برای تقویت تجسم سه بعدی در ذهن خلق شده است، پس برای رسیدن به این مهم باید حرکات مکعب روبیک و روند حل شدن آن درک شود که در غیر این صورت حل مکعب با الگوریتم‌های ساده و حفظ آنها و اجرای حرکات بدون توجه به چگونگی تغییر مهره‌ها کمک قابل ملاحظه‌ای به تقویت ذهن نمی‌کند.

با توجه به روش‌ها و زمان‌های گوناگون حل مکعب، آیا اشتیاق حل کردن و ارایه راه حل جدیدی برای روبیک دارید؟ باید اضافه کنیم که رکورد کوتاه‌ترین زمان حل روبیک در ایران در سال ۱۳۹۳ آقای سید محمد حسین فاطمی با زمان ۷ ثانیه و ۳۰ صدم ثانیه بوده است. امتحان کنید، شما چه خواهید کرد؟

تهیه کننده: سروش احمدی

به ارایه نظریه‌های ریاضی مورد استفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر آن، مکعب روبیک داستانی در ایران ساخته و طراحی شد. این مکعب شبیه یک ساختمان است که به جای رنگ‌ها از شخصیت‌ها استفاده شده است که یک راه حل داستانی است. طراحی این مکعب، حدود چهار سال طول کشید.

این مکعب داستانی و روش حل داستانی آن در سال ۱۳۹۳ به شماره ۳/ ۲۷۹۱۸۲۱/ ۹۳ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به نام آقای **مهدی پورمطلب روشن** ثبت شد. با فراگیر شدن این روش در بیشتر مراکز آموزش مکعب روبیک خصوصاً به کودکان از این روش برای آموزش استفاده می‌شود.

در سال ۱۳۹۲ با حضور **الیور پرگ**^۱ در ایران و اجرای مسابقات کیوب کامپ ۱، ایشان با این روش آشنا شد و علاقه بسیاری به آن پیدا کرد تا جایی که به مناسبت ۴۰ سالگی مکعب روبیک ایشان از آقای **مهدی پورمطلب روشن** اجازه خواست تا فیلمی با این روش برای آموزش مکعب روبیک به کودکان در مجارستان تهیه کنند.

۱ برنده مسابقات روبیک ۲۰۱۰ آتن



موزه و مجلس شورای اسلامی

شیما آقا زاده

صحن تاریخی مجلس شورای ملی

شورای اسلامی است. در سال ۱۳۰۳ به همت فردی به نام ارباب کیخسرو شاهرخ، کتابخانه مجلس پایه گذاری شد، هرچند پیش از آن در سال ۱۲۸۶ شکل گرفته بود اما هنوز به صورت رسمی کتابخانه مجلس نبود. ارباب کیخسرو شاهرخ چند دوره متوالی نماینده مردم در مجلس بود و به پیشنهاد آقای اسماعیل آشتیانی (که از هنرمندان ایرانی و شاگرد استاد کمال الملک بود) شروع به خریداری نقاشی های بی نظیر کمال الملک کرد تا موزه ای را به نام او ایجاد کنند. استاد کمال الملک هم برخی از آثارش را به رایگان هدیه کرد و به پیروی از استاد، چند نفر از شاگردان برجسته اش مانند اسماعیل آشتیانی، محمود اولیا و علی محمودی هم بخشی از آثارشان را به موزه اهدا کردند. البته هدف ارباب کیخسرو، ایجاد موزه ای به منظور

است. عمارت بهارستان تا زمان انقلاب مشروطه و تشکیل مجلس شورای ملی در اختیار دربار بود و از زمان فرمان مشروطه (سال ۱۲۸۵) تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، به عنوان ساختمان مشروطه مورد استفاده قرار می گرفت و شاهد بیست و چهار دوره مجلس قانون گذاری بوده است. در این میان حوادث بسیاری اتفاق افتاد از جمله به توپ بستن مجلس توسط محمدعلی شاه قاجار که به تبع آن ساختمان مجلس ویران و تعطیل شد. صحن مجلس بعدها بازسازی شد و تا پایان مجلس شورای ملی، محل تشکیل جلسات مجلس بود. در سال ۱۳۵۹، نخستین دوره مجلس شورای اسلامی در ساختمان سنای سابق تشکیل جلسه داد و در آخر دوره مجلس ششم بود که جلسات مجلس شورای اسلامی، در ساختمان جدید مجلس برگزار شد. در حال حاضر، نیمه غربی ساختمان مشروطه که در اختیار کتابخانه مجلس گذاشته شده، محل تشکیل موزه مجلس

در میدان بهارستان شهر تهران، ساختمانی وجود دارد که به نام ساختمان مشروطه (موزه مجلس) و یا مجلس شورای اسلامی شناخته می شود. این ساختمان در واقع کاخی متعلق به فردی به نام میرزا حسین خان سپهسالار بوده که در سال ۱۲۹۵ هجری قمری توسط مهندس مشهور ایرانی آقای میرزا مهدی خان شقاقی (معروف به ممتحن الدوله) و به دستور سپهسالار طراحی و ساخته شده است. میرزا حسین خان سپهسالار که یکی از صدراعظم های ناصرالدین شاه بود با دسیسه های اطرافیان پس از تبعید به مشهد، مسموم شد. باغ و عمارت سپهسالار معماری زیبا و خاصی دارد و همواره از میهمانان داخلی و خارجی در آن پذیرایی می شد. همسر سپهسالار هم در تمام ده روز اول محرم در این عمارت مراسم تفریه برپا می کرده



محل تمرکز، جمع‌آوری و نگهداری آثار کمال‌الملک بود اما منجر به ایجاد موزه‌ای شد که هم‌اکنون با عنوان موزه مجلس شورای اسلامی شناخته می‌شود.

موزه مجلس تا سال ۱۳۷۷ در یکی از طبقات ساختمان شماره یک مجلس مستقر بود که در آن زمان به ساختمان کاخ‌موزه نگارستان منتقل شد. کاخ‌موزه نگارستان تا سال ۱۳۸۲ با عنوان موزه مجلس شورای اسلامی، محل نگهداری و نمایش آثار بود و در این مدت علاوه بر آثار استاد کمال‌الملک و شاگردانش، تابلوها و آثار نقاشی و هدایای ارزشمند دیگری نیز به مجموعه اضافه شدند. در سال ۱۳۸۲ با انتقال محل مجلس شورای اسلامی به ساختمان جدید در بهارستان، موزه مجلس هم به بهارستان منتقل شد ولی چون محلی برای نمایش آثار در نظر گرفته نشده بود، تا سال ۱۳۸۷ در گنجینه‌های مجلس نگهداری می‌شدند. در اواخر دوره هفتم مجلس شورای اسلامی، بخشی از ساختمان مشروطه به موزه اختصاص یافت. موزه مجلس

شورای اسلامی که قبلاً شامل آثار هنری، نقاشی و صنایع دستی بود با آغاز به کار جدید شاهد اضافه‌شدن بخش تاریخی به‌ویژه تاریخ مشروطه و معاصر ایران شد.

هم‌اکنون موزه مجلس، بخش‌های متنوعی دارد از جمله:

موزه کتابت و چاپ ایران: شامل ماشین‌های چاپ دستی حروف و قالب با مدل‌های مختلف، ماشین طلاکوب، ماشین‌های چاپ نیمه‌اتوماتیک، قالب‌های تنه و پایه حروف، ماشین‌های برش، دستگاه برش‌دهنده مقوا و ماشین‌هایی از این دست می‌باشد.

موزه نسخ خطی: شامل کتب خطی نفیس، مرقعات و غیره است که آثار آن از بهترین آثار خطی-هنری موجود در کتابخانه مجلس هستند.

آثار و یادمان‌های تاریخی: بخش دیگری از موزه را به خود اختصاص می‌دهند. آثاری مانند لوح یادبود تاسیس بنای ساختمان مجلس، چکش چوبی میز رییس مجلس سنا، گوشی تلفن میز کار رییس

مجلس شورای ملی، جعبه جواهرات، گلدان سفالی و حتی مجموعه عینک در این دسته اشیا قرار دارند.

نقاشی‌ها: که متعلق به استاد کمال‌الملک، استاد آشتیانی، استاد اولیا و همچنین هنرمندان دیگر هستند در این مجموعه نگهداری می‌شوند.

پرتره شخصیت‌ها: شامل تصاویری از شخصیت‌های تاریخ مشروطه و مجلس شورای ملی است مانند احمدشاه، مظفرالدین‌شاه قاجار، میرزا حسین خان سپهسالار، آیت‌الله بهبهانی، آیت‌الله طباطبایی و غیره که این پرتره‌ها یا عکس هستند یا نقاشی و یا ترکیب عکاسی و نقاشی.

هدایای ملل: شامل نشان‌ها و اشیایی هستند که وزرا و هیات‌های ملل مختلف به کشور ایران هدیه کرده‌اند مانند مدال‌ها، جعبه‌ها، کاشی، گلدان، مجسمه، پیکره، شمعدان، ظرف، گلدان، عطردان و غیره.

در مجموع، درباره این موزه باید گفت تالارهای موزه که حاوی اسناد، تصاویر، اشیا و تندیس‌ها هستند امکان مرور گویا و زنده تحولات یک‌صدسال اخیر ایرانی را برای مخاطبین فراهم می‌کنند. در این تالارها، چهره‌های موثر در پیروزی مشروطیت، روسای دوره‌های مجلس، حوادث مشروطه و نهادهای قبل و بعد از انقلاب خود را به بیننده می‌شناساند و هدایای ملل نیز نشان از عمق روابط بین‌المللی ملت ایران و ملت‌های دگر هستند



ورزش کبدي

این بازی معمولاً به سه شکل زیر انجام می‌شود:

سانچوانی: بازیکنان، پس از بیرون رفتن از زمین دوباره به زمین برمی‌گردند و بازی در دو نیمه ۲۰ دقیقه‌ای با یک استراحت ۵ دقیقه‌ای بین دو نیمه انجام می‌شود. هر تیم، ۹ بازیکن دارد. در این نوع کبدي، برنده تیمی است که حداکثر امتیاز را در پایان ۴۰ دقیقه کسب کند و زمین بازی هم بزرگ است.

جامینی: هر تیم ۹ بازیکن دارد، میدان بازی اندازه خاصی ندارد و ویژگی جامینی در این است که بازیکنی که می‌سوزد باید تا زمانی که تمام اعضای تیم می‌سوزند بیرون بماند و تیمی که همه بازیکنان حریف را بیرون کند، امتیاز کسب می‌کند. پس از خروج همه بازیکنان، دوباره تیم وارد زمین می‌شود و بازی تا ۵ یا ۷ مرتبه به این شکل انجام می‌شود و در نهایت برنده بازی مشخص می‌شود.

آمار: این بازی بر مبنای امتیازهای گرفته‌شده هر دو طرف بازی انجام می‌شود. میدان بازی اندازه مشخصی ندارد و اعضای هر تیم، ۹ تا ۱۱ نفر هستند. در این بازی، چیزی به‌عنوان خروج و ورود بازیکنان وجود ندارد و بازی بر اساس زمان از پیش تعیین‌شده و آرایه بهترین بازی صورت می‌گیرد.

حمیدرضا والیانی

یکی از بازی‌هایی که در گذشته‌ای نه‌چندان دور بین بچه‌ها و گاهی بزرگترها رواج داشت، بازی زو بود. یک واژه زووووووووووو بدون وقفه، حمله به زمین حریف، تلاش کردن برای گرفتن یا لمس کردن بازیکنان گروه مقابل و خوشحالی از برنده شدن. این بازی پرهیجان، همچنان رواج دارد اما امروز با نام دیگری شناخته و برای خودش صاحب اسم و رسمی شده است؛ یعنی ورزش کبدي. کبدي همان زو است که قوانینی برای آن وضع شده و از سال ۱۹۸۲ میلادی به‌صورت نمایشی و پس از آن هم جزو مسابقات رسمی بازی‌های آسیایی قرار گرفت. این بازی اصیل ایرانی در شهرهای مختلف، نام‌های مختلفی داشته است مثلاً در گیلان شیرین‌دودو، در خراسان، گلستان و مازندران زو، در خوزستان اشتی‌تی و در سیستان و بلوچستان هم کبدي نامیده می‌شود. این بازی، یک بازی بیرون سالی پر تحرک است که به مهارت، انعطاف‌پذیری، چابکی و البته کمی هم دل و جرات برای گرفتن مهاجم یا فرار از دست حریف نیاز دارد. در این بازی، مهاجمان دو تیمی که رودرروی هم قرار می‌گیرند به‌طور مرتب کلمه کبدي را با صدای بلند و واضح و بدون قطع نفس تکرار می‌کنند و تلاش می‌کنند با حرکات حمله و دفاع و جابه‌جایی یار تیم مقابل را بگیرند یا لمس کنند و امتیاز بگیرند. در ایران، تشکیلات این رشته ورزشی در سال ۱۳۷۵ با عنوان انجمن کبدي شروع شد و بعد از این که ورزشکاران مدال‌های ارزشمندی را در مسابقات قهرمانی آسیا و جهان کسب کردند، فدراسیون کبدي شروع به فعالیت کرد که همواره در تلاش بوده تا در شهرهای مختلف ایران، افراد با استعداد این رشته را یافته و آنها را آموزش دهد.



حکایت نیم عمر و کل عمر

نحوی در کشتی بود. ملاح را گفت: تو علم نحو خوانده‌ای؟

گفت: نه.

گفت: نیم عمرت برفناست.

روز دیگر تندبادی پدید آمد، کشتی می‌خواست غرق شود. ملاح او را گفت: تو علم شنا آموخته‌ای؟

گفت: نه.

گفت: کل عمرت برفناست!

حکایت زشت‌رو

زشت‌روئی در آئینه به چهره خود می‌نگریست و می‌گفت: سپاس خدای را که مرا صورتی نیکو بداد.

غلامش ایستاده بود و این سخن می‌شنید و چون از نزد او به‌در آمد کسی بر در خانه او را از حال صاحبش پرسید.

گفت: در خانه نشسته و بر خدا دروغ می‌بندد.

حکایت زندانی

مردی دعوی‌ خدایی کرد.

شهریار وقت به حبسش فرمان داد.

مردی بر او بگذشت و گفت: آیا خدا در زندان باشد؟

گفت: خدا همه جا باشد.

حکایت غذا خوردن

مردی با پنج انگشت می‌خورد.

او را گفتند چرا چنین می‌خوری؟

گفت: اگر به سه انگشت لقمه بگیرم دیگر انگشتانم را خشم آید.

حکایت موزن

موزنی بانگ می‌گفت و می‌دوید.

پرسیدند که چرا می‌دوی؟

گفت: می‌گویند که آواز تو از دور خوش است، می‌دوم تا آواز خود از دور بشنوم!

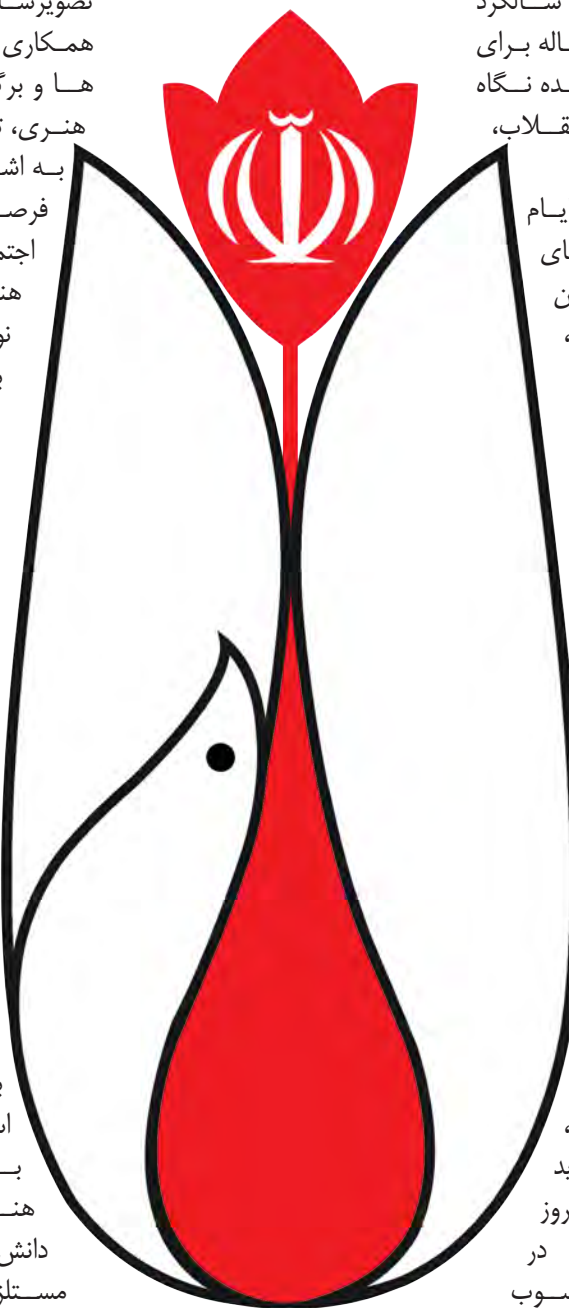
حکایت به حج رفتن

فردی به حج رفت و پیش از دیگر مردم داخل خانه کعبه شد و در پرده کعبه آویخت و گفت: بار خدایا پیش از آن که دیگران در رسند و بر تو انبوه شوند و زحمتت افزایش مرا بیامرز.

عید زاکانی



دهی فجر فرصت ده روزه برای دانش‌آموزان



دهی فجر نامی است که بر روی ده روز حفاصل ورود امام خمینی به میهن در ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ تا پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ماه همان سال اطلاق می‌شود. ستاد بزرگداشت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی هر ساله برای بزرگداشت این پیروزی و زنده نگاه داشتن نام و یاد شهدای انقلاب، برنامه‌ریزی می‌کند.

تلاش برای بزرگداشت این ایام موجب شده است تا رویدادهای بین‌المللی مهمی همچون جشنواره بین‌المللی فیلم، جشنواره تئاتر، جشنواره موسیقی، جشنواره هنرهای تجسمی، جشنواره آثار ادبی و مسابقات ورزشی با عنوان «فجر» همراه شوند و روزها و هفته‌های منتهی به این ده روز در ایران، سرشار از برنامه‌های فرهنگی، هنری و ورزشی باشد.

مدارس هم یکی از کانون‌های مهم بزرگداشت این دهه هستند و فعالیت‌های فرهنگی، هنری در آن‌ها در طی این چند روز گسترش می‌یابد. دهه فجر از منظر فرصت و زمینه فعالیت‌های فرهنگی در بین نوجوانان، یکی از اصلی‌ترین و شاید بهترین فرصت‌ها برای بروز علاقمندی‌ها و توانمندی‌ها در بین نوجوانان دانش‌آموز محسوب می‌شود.

دانش‌آموزان علاقمند به نوشتن از طریق شرکت در مسابقات داستان‌نویسی، انشانویسی، ساخت روزنامه دیواری و شرکت در مسابقات شعر و ادبیات، می‌توانند خود را در عرصه ادبیات بیازمایند و استعداد و

توانایی‌های خود را به‌کار گیرند. دانش‌آموزان علاقمند به هنرهای تجسمی می‌توانند در طی این ده روز از طریق شرکت در مسابقات نقاشی، تصویرسازی، عکس و کاریکاتور و نیز همکاری در ساخت دکور و آذین‌بندی‌ها و برگزاری نمایشگاه‌های آثار هنری، تجارب و مهارت‌های خود را به اشتراک بگذارند و این رویدادها فرصت بسیار مناسبی برای حضور اجتماعی هنرمندان آن‌ها در عرصه هنرهای تجسمی خواهد بود. نوجوانان دانش‌آموزان علاقمند به تئاتر و هنرهای نمایشی هم با توجه به گروهی بودن این نوع هنرها می‌توانند از فرصت جشن‌های دهه فجر حداکثر استفاده را برای تشکیل گروه‌های نمایش و تمرین و اجرای آثار نمایشی در مدارس و مراکز فرهنگی ببرند.

روزهای دهه فجر در عمل بهترین فرصت و شرایط برای فعالیت‌های فرهنگی نوجوانان را در مدارس فراهم می‌آورد و آن‌ها می‌توانند با کار گروهی و جمعی، آثار و علاقمندی‌های فرهنگی و هنری خود را به منصه ظهور برسانند.

استفاده از این شرایط مساعد برای رشد خلاقیت‌های هنری و توانمندی‌های شخصی دانش‌آموزان، ضمن این که مستلزم مدیریت درست مدارس و جهت‌دهی و حمایت از فعالیت‌های فرهنگی هنری است، نیازمند استفاده هوشمندانه نوجوانان از این فرصت‌ها در جهت اثبات توانایی‌های هنری و مهارتی‌شان و به اشتراک گذاشتن این توانایی‌ها با سایر همسن و سالان‌شان است.

برای زندگی ام

**بازخوانی وصیت نامه شهید
جلال محمدی، از کتاب برای زندگی ام**

کتاب «برای زندگی ام» به نویسندگی محمدحسین میرزایی و کیانوش شفيعی توسط انتشارات گراء در شهر کرمان و در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است.

جلال، در سال ۱۳۴۹ در قناتگستان شهر ماهان در کرمان متولد شد. خانواده اش زحمتکش و مذهبی بودند. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش گذراند و دوره راهنمایی را نیز در مدرسه شهید علی ایرانمنش کرمان سپری کرد. با تلاش بسیار موفق شد در دبیرستان سپاه کرمان ثبت نام کند. جنگ تحمیلی که شروع شد، یک دوره کوتاه مدت برای حضور در جبهه دید و به همراه افراد دیگر سپاهی، عازم جبهه شد. آنجا جایی بود که جلال، به آرزویش که همانا شهادت بود رسید. در روز چهارم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۵، زمانی که تنها شانزده سال داشت، در عملیات کربلای ۵ به دیدار پروردگار شتافت. آرامگاه ابدی این شهید نوجوان در گلزار شهدای کرمان است.

البته آنچه در کتاب روایت می شود، به شیوه ای متفاوت از برخی زندگی نامه ها و از زبان مولف می باشد. شروع از نوجوانی جلال، بازگشت به دوران نوزادی و بالیدن وی در دامن خانواده و سپس مدرسه و کار کردن و اصرار بر رفتن به جبهه با خاطراتی از مادر، خاله و دوستان جلال. تا بدانیم آسایش اکنون فرزندان این سرزمین، مرهون تلاش و رشادت های فرزندان گذشته است که باید قدر دانسته شوند و یادشان همواره باقی ماند.

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت علی (ع): «ان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصه الاولیاء»

به درستی جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند آن را به روی بندگان خص خود گشوده است.

سلام بر امام زمان و نایب بر حقش امام خمینی و تمامی شهدای اسلام که خونی تازه در رگ های اسلام جاری کرده اند.

«اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد رسول الله و اشهد ان علی ولی الله»

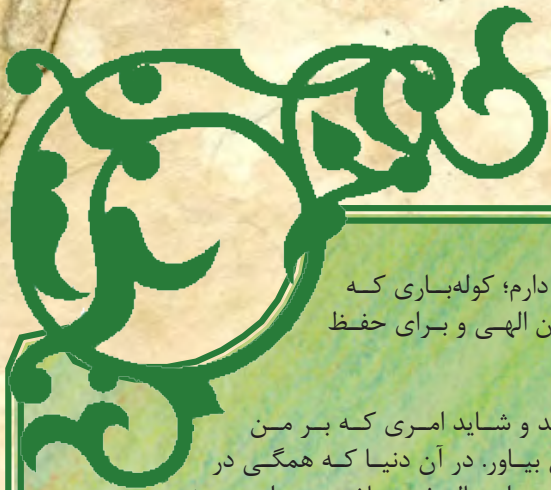
حال که قدم به این راه گذاشته ام انگیزه ای جز یاری اسلام نداشته ام.

از خداوند می خواهم که مرا در این راه ثابت قدم نگه دارد تا بتوانم دین حق را یاری کنم. من که تا اینجا نتوانستم آن طور که باید و شاید به وظیفه خود در قبال اسلام عمل کنم. شاید بتوانم از طریق جهاد و مبارزه این وظیفه خود را انجام دهم و در راه این انجام وظیفه راضی به رضای خدا هستم که هر چه او مقدر کند همان است و بس.

اگر من شهید شدم که این لیاقت را در خود نمی بینم از خانواده ام می خواهم که این شهادت را یک فوز عظیم بدانند و هیچ نگران نباشند که خداوند فرموده است: «شهدا نزد من روزی می خورند.»

بهترین مرگ ها شهادت در راه خداست.

شهادتی که مومنین آن را در آغوش می گیرند. مانند یاران امام حسین (ع) که همه چیز خود را در راه خداوند دادند همراه با رهبر خود در روز عاشورا به میدان کارزار رفتند و خون خود را نثار دین اسلام کردند و اسلام را زنده تر کردند و در راه خدا به شهادت رسیدند. آری، ما هم باید مانند یاران امام حسین باشیم. خدایا تو که خود می دانی اکنون بنده ای گنه کار به سوی تو می آید. بنده ای که در عمرش هر لحظه از یاد تو غافل می شد. خدایا این بنده گنه کار را ببخش. خدایا اگر تو ما را نبخشی، چه کسی خواهد بخشید و چه کسی سزاوارتر از یگانه ذات احدیت می تواند مرا ببخشد. خدایا



اگرچه من در راهت می‌روم، اما کوله‌باری سنگین بر دوش دارم؛ کوله‌باری که پشت هر گنهکاری را می‌شکند. باری که کوله‌باریست از امتحان الهی و برای حفظ آبروی مسلمین.

خدایا اگر در راه تو شهید شدم و نتوانستم همان‌طور که باید و شاید امری که بر من واجب بوده انجام دهم تو خود این مأموریت مرا در حسابمان بیاور. در آن دنیا که همگی در صحرای محشر در پیشگاه خداوند خود ایستاده‌اند و باید جوابگوی اعمال خود باشند مرا در پیش آنها سرافکنده مساز. ما را در جوار رحمت قرار بده که آرزوی ماست.

پدر عزیز؛ خواهر و مادر و برادر مهربان؛ ای اقوام با محبت، اگر من شهید شدم برای من اشک نریزید بلکه باید خوشحال باشید که در راه خدا شهید شدم زیرا همان‌طور که گفتم شهادت بهترین نعمت خداوند برای بندگان خالصش است. البته من بنده خالص برای خداوند نیستم و وجود خود را برای من ناراحت نسازید.

پدر و مادر عزیز به شما بگویم که من نماز و روزه قضا و حتی کفاره روزه هم دارم. تا می‌توانید برای من به اندازه یک سال یا بیشتر نماز قضا بخوانید و به اندازه شش‌ماه یا بیشتر برای من روزه بگیرید. من چهار کفاره روزه هم دارم، آن‌ها را بپردازید.

ای خدا بنده تو اینگونه است.

اکنون چند کلامی برای دوستان خود می‌گویم. ای دوستان تا می‌توانید به جبهه‌ها بیاوید و جبهه‌ها را پر کنید که الان وقت جهاد است. بر همه واجب است و از پدرها و مادرها می‌خواهم که جلوی بچه‌هایشان را نگیرند و بگذارند آنها به جبهه بیاوند.

ای دوستان، اگر من به شما بدی کردم، تهمتی زدم، غیبتی کردم، دشنامی دادم به بزرگواری خودتان مرا ببخشید. همچنین پدر و مادر عزیز و دوستان، تا می‌توانید به نماز جمعه بروید و سنگر نماز جمعه را ترک نکنید و دعا برای امام، شفاعت مجروحین و معلولین و جانبازان انقلاب اسلامی و آزادی اسرا را فراموش نکنید.

دیگر عرضی ندارم فقط سلامتی شما را از خداوند می‌خواهم.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگاهدار.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.





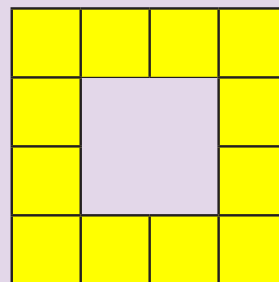
10	9	8	7	6	5	4	3	2	1	
										1
										2
										3
										4
										5
										6
										7
										8
										9
										10

عمودی

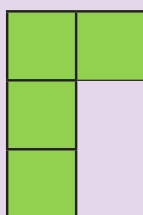
- ۱- توان. رنگ دار
- ۲- لانه پرنده
- ۳- جمع مملکت. نفر اول
- ۴- میهمانی
- ۵- به رنگ قرمز می گویند. حالات روانی انسان
- ۶- لوله های خون رسان بدن. خیال
- ۷- عضو جونده. نویسنده
- ۸- دلاوری. نام قدیمی ورزش کبدی
- ۹- آرام بودن. ماده ای طبیعی و متبلور
- ۱۰- طلایی

افقی

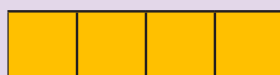
- ۱- با آن شناخته می شویم. باد چرخنده
- ۲- سنگ سبز قیمتی. کاسه بدن
- ۳- درس عددی. بلند
- ۴- حاکم. از شهرهای خراسان
- ۵- از شهرهای شمالی. نابلد
- ۶- مخفف راه. زوج نیست
- ۷- لباس صاف کن. تنبیه
- ۸- حیوان شیرده. ماهی عربی. ضمیر سوم شخص مفرد
- ۹- لایه محافظ زمین
- ۱۰- لوله تنفسی. هم بو شدن



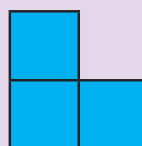
شکلی که در تصویر بالا است، از کنار هم گذاشتن سه تا از شکل‌های الف تا ت درست شده است. کدام قسمت اضافی است؟ روی هم گذاشتن قسمت‌ها مجاز نیست اما چرخاندن آنها ایرادی ندارد



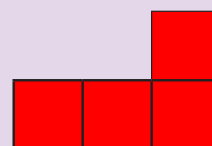
ت



پ

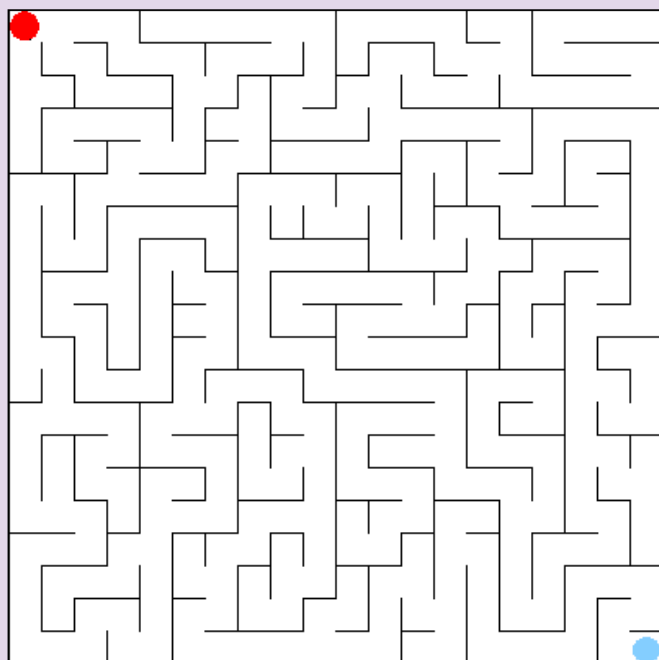


ب



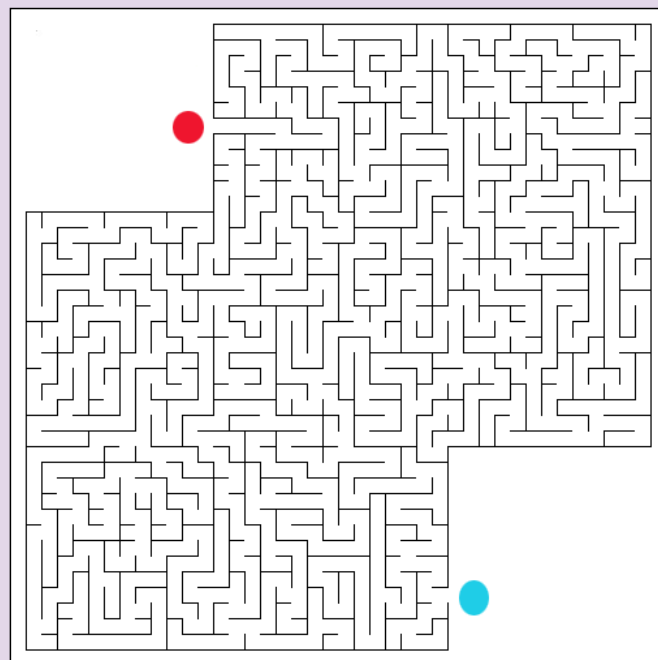
الف

جواب: شکل ب (قسمت آبی‌رنگ) اضافی است: شکل اصلی از ۱۲ خانه تشکیل شده، بنابراین از کنار هم گذاشتن سه شکل چهارخانه‌ای درست می‌شود.



ماز ۱:

مسیر توپ قرمز برای رسیدن به توپ آبی را مشخص کنید.



ماز ۲:

آیا رسیدن توپ قرمز به آبی به آسانی قبل است؟

آب گرم های ایران

زیبایی های ایران

آب گرم گیوی:

چشمه آب گرم گیوی در حدود ۵ کیلومتری شهری به نام گیوی در کنار جاده خلخال- اردبیل قرار دارد. این آب گرم از زیباترین مناظر و چشم اندازهای طبیعی در سرزمین گیوی است که با توجه به رودخانه زیبای گیوی چای و باغ های اطراف رودخانه در مسیر و در پایین دست آب گرم، به زیبایی آن افزوده شده است. دمای این آب حدود ۵۰ درجه سانتیگراد و همانند سایر چشمه های آب گرم ایران دارای خواص درمانی است.

آب گرم گنویه دیر:

از دیگر چشمه های آب گرم ایرانی می توان به آب گرم گنویه دیر در استان بوشهر اشاره کرد. این چشمه در کنار جاده خورموج- دیر و در حوالی روستایی به نام گنویه دیر قرار دارد. این چشمه آب گرم از شکاف سنگ های آهک خارج می شود و حاوی مواد معدنی مانند سولفات کلسیم، منیزیم و کلرور سدیم است که خواص متفاوتی را برای آن ایجاد می کند.

در هر نقطه سرزمین ایران، با شگفتی های بسیاری مواجه می شویم؛ از کوه های بلند، چشمه ها و آبشارهای زیبا گرفته تا آن چه در زیر زمین است و به بیرون راه پیدا می کند. از این دسته شگفتی های زیر زمینی می توانیم به چشمه های آب گرم اشاره کنیم که از اعماق زمین برآمده و خواص درمانی بسیاری را به آدمیان ارزانی می دارند. چشمه های آب گرم بستگی به نوع تشکیل شدنشان دو نوع هستند: نوع نخست این چشمه ها، آن هایی هستند که آب آن ها از روی زمین سرچشمه گرفته و پس از فرو رفتن در زمین و گذشتن از لایه های گوناگون گرمای زمین را گرفته و برخی مواد کانی را در خود حل می کنند و از راه ها و منافذ به سطح زمین راه پیدا می کنند. نوع دوم چشمه ها نیز آب گرم هایی هستند که حاصل بخار خمیره سنگ های سوزان درون پوسته زمین هستند. از چشمه های آب گرم معروف ایران می توان به چشمه مرتضی علی، چشمه آب گرم محلات، چشمه آب گرم دلفان، چشمه های آب گرم سرعین، چشمه آب گرم گیوی و چشمه گنویه دیر اشاره کرد.

چشمه آب گرم دلفان:

چشمه آب گرم دیگری از چشمه های گرم معروف ایران را می توان در شهر دلفان در استان لرستان دید. این چشمه جوشان و طبیعی در منطقه ای سرسبز با چشم انداز زیبای کوه زاگرس پذیرای گردشگران است و البته تا حدودی نیز ناشناخته مانده است. حرارت آب گاهی تا ۶۰ درجه سانتیگراد نیز می رسد و با مواد معدنی و خواص طبی اش، التیام آورد برخی از بیماری ها است. اهالی این منطقه برای استفاده از این آب گرم یک حوضچه سیمانی برای آن احداث کرده اند. چشمه آب گرم دلفان مانند نگین زیبایی بر کوه زاگرس می درخشد.



آب گرم های سرعین:



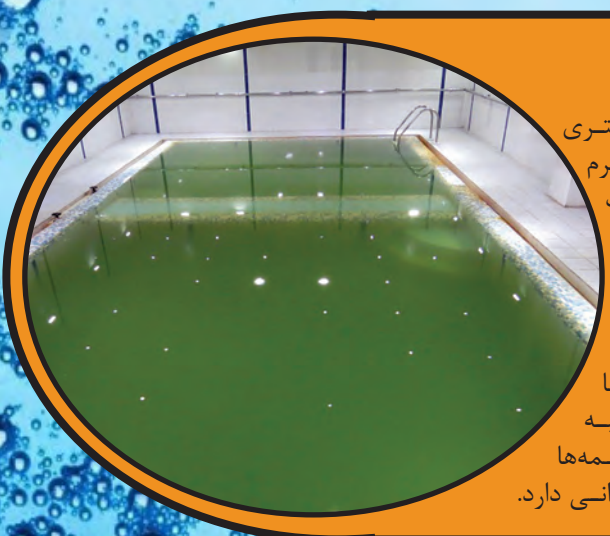
چشمه های آب گرم سرعین از کوه سبلان سرچشمه گرفته اند. سرعین شهری است که در ۲۵ کیلومتری شهر اردبیل قرار دارد و یکی از مهم ترین مراکز استقرار چشمه های آب گرم در ایران است. نام سرعین به معنای سرچشمه است که این اسم را به خاطر وجود چشمه های زیبایش به آن داده اند. جالب است که در این شهر به غیر از آب گرم، دو استخر آب سرد نیز وجود دارند که آب آن ها گازدار است و می توان از آب گازدار آن ها نوشید. از آب گرم های معروف سرعین می توان به گاو میش گلی، بش باجیلار، ژنرال، پهنلو، قهوه سویی، شفا، دالار و غیره اشاره کرد.

چشمه آب گرم مرتضی علی:



این چشمه از دیدنی های شهر طبس در استان خراسان جنوبی است که هر سال گردشگران و زمین شناسان بسیاری را به خود می بیند. البته برای رفتن به این آب گرم باید از روستایی به نام خرو که در ۲۰ کیلومتری شهر طبس واقع شده عبور کرد و وارد دهانه یک دره شد. با گذشتن از یک مسیر ۵ کیلومتری که بیشتر آن هم در آب است به بزرگ ترین چشمه جوشان آب می رسیم که نام آن را «حمام مرتضی علی» گذاشته اند. در طول مسیر چشمه های کوچکتر دیگری هم وجود دارند به علاوه دیواره های بلند و حفره ها و کانال هایی که نظم خاصی دارند و به آن ها خانه گیر گفته می شود که به عقیده کارشناسان به دوره ساسانیان می رسد. در ادامه مسیر چشمه، طاق زیبای شاه عباسی را هم می توان دید که میان دو کوه نزدیک به هم ساخته شده است.

چشمه های آب گرم محلات:



مجموعه ای از چشمه های آب گرم در محلی به نام آب گرم در ۱۵ کیلومتری شهر محلات در استان مرکزی قرار دارند که مجموعه «آب گرم محلات» را تشکیل داده اند. تعداد چشمه های این مجموعه بزرگ شش عدد و به نام های شفا، دنبه، روماتیسم، حکیم، سودا و سلیمانی است. این چشمه ها از نوع آب گرم های عمقی هستند که از بخار خمیره سنگ های سوزان درون پوسته زمین به وجود آمده و به سطح زمین رسیده اند. گاهی دمای آب در این چشمه ها به صد درجه سانتیگراد هم می رسد و حتی دمای آب این چشمه ها نیز با هم متفاوت است. گرم ترین این چشمه ها آب سلیمانی و دنبه هستند و آب چشمه حکیم نیز سرد است. استحمام در این چشمه ها به دلیل ترکیبات خاص معدنی آن ها اثرات شفا بخش فیزیکی و روانی دارد.

فربرز امینی



ماشینهای تا دندان مسلح نظامیان به سمت محل تظاهرات روانه شدند.
آتش خشم انقلابی مردم شدت می گرفت و نیروهای مسلح وادار شده بودند که مانع آن شوند



مردم از زن و مرد شعار مرگ بر شاه سر می دادند

شور و هیجان انقلابی مردم
و امید به پیروزی انقلاب
لحظه به لحظه بیشتر می شد



از این طرف سد راهشون بشید...نباید اجازه بدین جلوتر بیان



من نمیخوام کسی رو بکشم...
خدایا!!!!!! حالا چیکار کنم؟





لوله‌ی تفنگها به سمت مردم بی دفاع بود و سربازان منتظر دستور آتش!!!!



امونشون ندیدید... همه با فرمان من.....

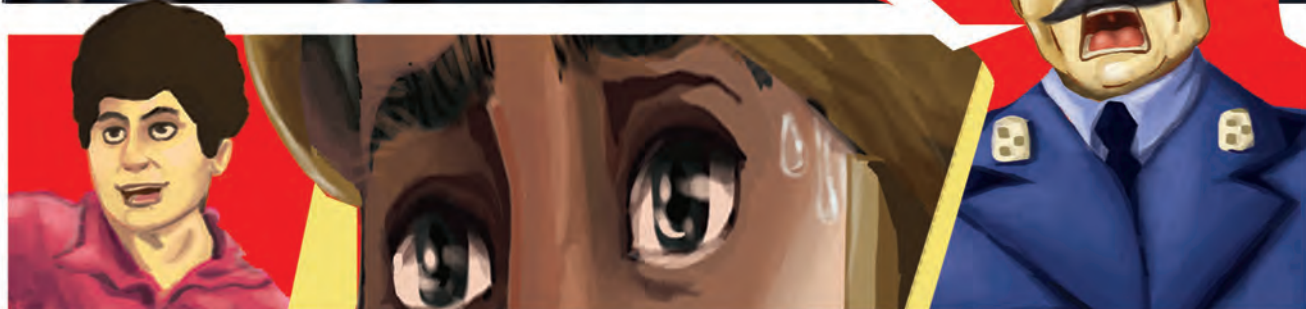


بگو مرگ بر شاه...

خدا یا چطور می‌تونم به مردم شلیک کنم؟!
اوه نه...!!!! بین جمعیت بچه هم دیده میشه....



شلیک کنید.
شماها چه تون شده؟؟؟
چرا مات تون برده؟؟؟
هر سربازی سربچی کنه محاکمه خواهد شد





وبه این ترتیب ارتش به مردم و انقلاب پیوست.



مسجد حکیم اصفهان

مساجد ایران

مسجد حکیم یکی از مساجد دوره صفوی در اصفهان است که به وسیله طبیب شاه عباس دوم به نام حکیم محمد داود و در محل ویرانه های مسجد جامع جورجیر ساخته شده که متعلق به قرن چهارم هجری بوده است. حکیم داود که طبیب شاه عباس بود به دلیل دسیسه های اطرافیان مورد بی مهری شاه عباس قرار گرفت و به هندوستان پناهنده شد. حکیم داود در هندوستان پیشرفت بسیاری کرد و به دلیل خدماتی که در دربار اورنگ زیب، پادشاه هندوستان، انجام داد شخص معتبری شد. او پس از کسب ثروت بسیار، اموال زیادی را برای خانواده اش در اصفهان فرستاد و از آن ها خواست مسجدی را به نام او در این شهر بسازند. آن ها نیز مسجدی را بنا کردند که به اسم حکیم نامیده شد. این مسجد، بر بازمانده های بنای مسجدی که نامش جورجیر یا مسجد صاحب ابن عباد بود ساخته شد و حتی پس از ساخت، سردر مسجد جورجیر حفظ شده و هنوز هم باقی مانده و حتی به جذابیت مسجد نیز افزوده است.

بر اساس کتیبه های که در سردر شرقی مسجد حکیم قرار دارد، ساخت مسجد در سال ۱۰۶۷ آغاز شده و طبق کتیبه سردر شمالی، در سال ۱۰۷۳ به پایان رسیده است. از معماران نامدار این بنا، محمدعلی بن استاد علی بیگ بنا اصفهانی، از کاشی کاران میرزا محمد کاشی پز، کتیبه نگار و خوشنویس آن محمدرضا امامی بودند و البته نام خوشنویس دیگری به نام محمداقصر شیرازی هم در یکی از کتیبه ها دیده می شود.

مسجد حکیم از نوع مساجدی است که چهار ایوان دارند و به چهار ایوانی معروفند. این مسجد مناره ندارد و گنبد آن نیز بزرگ و برجسته نیست. سه ورودی اصلی را در مسجد می بینیم. سردر شرقی به شکل پنج ضلعی است که دو سکو در دو طرف آن وجود دارند و کتیبه های با اشعار فارسی در قوس سردر است. سردر غربی، تزیینات گچی ساده دارد و در انتهای کوچه بن بست قرار دارد که به خیابان حکیم راه می یابد. سردر شمالی نیز با انواع



کاشی‌کاری
و آجرکاری تزیین
شده و دو سکو در دوطرف ایوان
کوچک با طراحی زیبا دارد. این مسجد
صحن بزرگی به ابعاد حدود ۶۱ متر طول و ۵۳
متر عرض دارد.

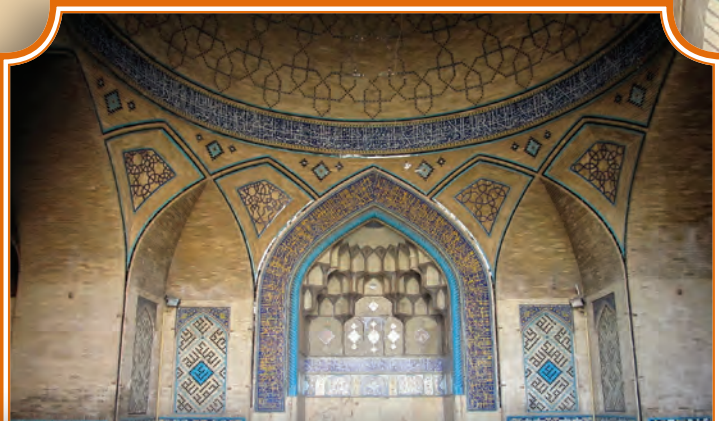
در وسط ایوان شمالی کتیبه‌ای کاشی‌کاری وجود دارد که بر آن
اشعاری در وصف مسجد نوشته شده‌اند. در سه‌طرف ایوان هم کتیبه‌ای
با زمینه لاجوردی رنگ کار شده است. ایوان‌های شرقی و غربی هم مانند هم
هستند.

مسجد دارای چهار شبستان و محراب است. شبستان اصلی که در زیر گنبد قرار دارد
به شکل مربع است. دیوارها از نقوش متنوع با آجر تزیین شده‌اند و بزرگ‌ترین و
زیباترین محراب مسجد در این شبستان قرار دارد. نبش دیوارهای داخلی و خارجی
محراب با کاشی‌های فیروزه‌ای پوشیده شده است و کتیبه‌ای از آیات قرآن بر لبه
خارجی محراب بر زمینه کاشی‌های لاجوردی کار شده و زیبایی محراب را دوبرابر
کرده‌اند.

در این مسجد، حوضخانه‌ای نیز قرار دارد که در شمال شرقی مسجد قرار گرفته و
اطراف آن طاق‌نماهایی قرار دارند. بخشی از روشنایی این حوضخانه نیز از شبکه‌های
شش‌ضلعی منظم بالای دیوارها تامین می‌شود. کف طاق‌نماها از کف حوضخانه
کمی بالاتر است تا راحت بتوان نشست و وضو گرفت.

وجود دو ساعت آفتابی از
ویژگی‌های دیگر این مسجد
است که یکی از آن‌ها در زاویه
شمال غربی مسجد و دیگری در
بالای ایوان شمال‌غربی نصب
شده‌اند. این مسجد، از آخرین
آثار دوره صفوی است که شاید
در مقایسه با آثار دیگری همچون
مسجد امام یا مسجد شیخ
لطف‌الله نمونه ضعیف‌تری به‌نظر
برسد اما اگر با نگاه معمارانه
به مسجد نظر افکنده شود،
این مسجد به دلیل نمایش
شکوهمند یک مسجد چهار
ایوانی آن هم در مقیاس بزرگ
و داشتن آجرکاری، کاشی‌کاری
و خطوط کتیبه‌هایش در زمره
آثار برجسته دوران صفوی قرار
می‌گیرد.

فربا ایوبی



بهلول و شیخ جنید بغدادی

آورده‌اند روزی پیر و شیخ بزرگی با مریدان خود به‌عنوان سیر و سیاحت از شهر خارج و به اطراف شهر به گردش پرداختند که اتفاقاً به بهلول برخورد نمودند که مریدان متأثر شدند و به استاد خود تذکر دادند که او شخص دیوانه‌ایست و صلاح بر این است که با او کاری نداشته و از اینجا بگذریم. اما شیخ ایستاد و به مریدان گفت من با او کار دارم و شما هم نباید دخالت بکنید. پس شیخ پیش رفت و نزدیک بهلول شد و مشاهده کرد که بهلول خشتی را در زیر سر گذارده و استراحت می‌کند. شیخ متحیرانه به او سلام کرد. بهلول هم جواب سلام او را داد و سوال کرد تو چه کسی هستی؟ شیخ گفت: من شیخی از مشایخ متصوفه عارف هستم.

بهلول به او گفت: آری نام تو را شنیده‌ام. تو همان کسی هستی که مردم را ارشاد و موعظه می‌کنی. عرض کرد: بلی. بهلول به او گفت: از تو سوال می‌کنم و از تو می‌خواهم که جوابگوی من باشی. شیخ گفت: بپرس از هر چه می‌خواهی. بهلول پرسید: در آداب غذاخوردن چگونه می‌باشی؟ شیخ گفت: ابتدا به نام خدا شروع می‌کنم و از جلوی خود لقمه می‌خورم و لقمه کوچک برمی‌دارم. آهسته می‌جویم و به لقمه دیگران نگاه نمی‌کنم و در موقع غذا خوردن از یاد حق غافل نمی‌شوم. در موقع خوردن هر لقمه خدا را شکر می‌گویم و در اول و آخر غذا دستان خود را می‌شویم.

بهلول برخاست و آشفته رو به شیخ کرد و گفت: بر آن جماعتی که تو شیخ آنانی متاسفم که تو هنوز آداب طعام خوردن نمی‌دانی و به‌راه افتاد.

مریدان گفتند: ای شیخ! نگفتیم که او دیوانه است و از او پرهیز کن؟ شیخ گفت: دیوانه به کار خویش هوشیار است و سخن راست باید از دیوانه شنید. از

عقب بهلول به‌راه افتاد تا به او نزدیک شد. بهلول گفت: تو کیستی؟ شیخ گفت: شیخی که آداب طعام خوردن خود را نمی‌داند. گفت: آری، آداب طعام خوردن خود را که ندانستی. حال بگو آداب سخن گفتن می‌دانی؟ عرض کرد: آری می‌دانم. بهلول گفت: بگو بدانم آداب آن چیست؟ عرض کرد: سخن به اندازه می‌گویم. بی‌موقع و بی‌جا سخن نمی‌گویم. روی حرف‌هایم حساب کرده و به‌قدر فهم شنوندگان سخن می‌گویم. خلق را به خدا و رسول دعوت می‌کنم و زیاد سخن نمی‌گویم که مردم خسته و ملول شوند و دقایق علوم ظاهر و باطن را رعایت می‌کنم. بهلول گفت: نه تنها طعام خوردن که آداب سخن گفتن را هم نمی‌دانی. سپس برخاست و به‌راه افتاد و رفت. مریدان گفتند: ای شیخ! ما نگفتیم که این مرد دیوانه است؟ شما از دیوانه چه انتظاری دارید؟ شیخ گفت: مرا با او کار است، شما نمی‌دانید و باز به‌دنبال بهلول راه افتاد و به او نزدیک شد. بهلول گفت: ای شیخ از من چه می‌خواهی؟ تو که نه آداب سخن گفتن و نه آداب طعام خوردن را می‌دانی بگو بینم آداب خوابیدن را می‌دانی؟ عرض کرد: آری می‌دانم. آنگاه گفت: در جامه پاکیزه باید خوابیدی، به وقت باید خوابیدی و در وقت خواب باید ذکر حق گفت و شکم را نباید پر کرد. بهلول برآشفته و گفت: آداب خوابیدن هم نمی‌دانی. خواست برود که شیخ دامانش را گرفت و گفت: من نمی‌دانم و تو از برای خدا برای من بازگو کن. بهلول گفت: تو دعوی دانایی می‌کردی که می‌دانم و بدین جهت من از تو دوری می‌کردم. حال که به نادانی خویش اعتراف کردی برای تو خواهم گفت تا بیاموزی. بدان و آگاه باش مطالبی که تو گفتی فرع قضیه است. چون در طعام ابتدا باید لقمه پاک و حلال باشد و گرنه تمام آداب را هم که به جا آوری سودی نبخشد به لقمه حرام و ناپاک. در آداب سخن گفتن؛ سخن فقط برای رضای خدا گفته شود و اگر به نیت اغراض دنیوی گفته شود یا کلام بیهوده

باشد آن و بال تو خواهد بود هر چند تمام آداب را هم به جا آورده باشید و سکوت برتر است از گفتن چنین سخنانی. در آداب خوابیدن بدان که اینان که تو گفتی فرع بود و اصل قضیه این است که در وقت خوابیدن بغض و کینه و حسد مسلمانی به دل نداشته باشی و دوستی مال دنیا در دلت نباشد و اگر نه، تمام این آداب تو را سودی نبخشد. شیخ که چنین دید دست بهلول را بوسه زد و به درایتش آفرین گفت. بدان که از آموختن چیزی از انسان کم نمی شود و شرمساری بر نپرسیدن است.



ارتفاع داشت. بر فراز این ستون‌ها هرم ۲۴ طبقه‌ای به‌عنوان سقف قرار گرفته بود که بالای آن نیز ارابه‌ای مرمین قرار می‌گرفت. آرامگاه در مجموع ۴۹ متر ارتفاع داشت یعنی به بلندی یک ساختمان ۱۶ طبقه امروزی.

در آن زمان چنین آرامگاهی نادر بود چون برخلاف معماری یونانی که به‌صورت افقی ساختمان را توسعه می‌داد، این بنا از نظر عمودی توسعه یافته بود. نکته دیگر این بود که یونانیان، درگذشتگان خود را در زمین دفن می‌کردند اما این آرامگاه در ارتفاع قرار داشت. از آن زمان به بعد اغلب شخصیت‌های مهم در آرامگاه‌هایی مشابه به خاک سپرده می‌شدند که این نوع آرامگاه‌ها به نام نخستین بنیانگذاران «موزولیوم» نامیده می‌شدند. البته این آرامگاه تنها به خاطر سبک معماری‌اش، جزو عجایب هفتگانه نبوده است. سنگتراشان و چیکره‌سازان مشهوری حاشیه‌ها و برجسته‌کاری‌های دور تا دور آرامگاه، آثار هنری، کتیبه‌ها و نقش برجسته‌هایی را ایجاد کردند که تحسین همگان را برانگیخت. در آنجا نقش‌های برجسته‌ای از مسابقات ارابه‌رانی و جنگ‌ها و جنگجوها قرار داشت و می‌شد پیکره خداها و چهره‌های حماسی و افسانه‌ای را دید. اما موزولوس قبل از به اتمام رسیدن کار آرامگاهش درگذشت و پس از او همسرش «آرتمیسا» که علاقه‌ای عمیق به موزولوس داشت، کارهای ساختمانی آرامگاه را ادامه داد. آرتمیسا با ساخت این آرامگاه از خود نیز یادبودی بر جای گذاشت؛ ارابه‌ای که بر فراز آرامگاه بود، توسط ارابه‌ران هدایت نمی‌شدند بلکه دو مجسمه موزولوس و آرتمیسا افسار اسب‌ها را گرفته بودند.

اما آرتمیسا هم پایان کار را ندید و دو سال بعد از مرگ همسرش زندگی را ترک کرد. در این هنگام

در جنوب شهر افسوس در ترکیه، شهر «بودروم» قرار دارد. بیش از دو هزار سال پیش نام این شهر «هالیکارناس» بود که در آن آرامگاه پادشاه «کاریایی‌ها» یعنی «موزولوس» قرار داشت.

در سال ۵۴۶ قبل از میلاد، این منطقه به تسخیر پادشاه ایران یعنی کوروش دوم در آمد. در آن زمان، چون سرزمین ایران بسیار گسترده بود، فرمانروایان ایرانی برای هر منطقه فرمانداری را انتخاب می‌کردند که تحت فرمان آن‌ها باشند. یکی از این مناطق «کاریه» نام داشت که یک سرزمین ساحلی در جنوب غربی آسیای صغیر بود. پایتخت کاریه شهر «میلانسا» بود که در قسمت بالایی شهر هالیکارناس در کوه‌ها قرار داشت. پادشاه این شهر یعنی هخاتومنوس می‌خواست اقامتگاه خود را به هالیکارناس منتقل کند. او کارهای ساختمانی گسترده‌ای را شروع کرد تا در آنجا اقامتگاهی مجلل بسازد ولی در سال ۳۷۷ قبل از میلاد درگذشت و پسرش «موزولوس» بر تخت نشست. موزولوس تلاش‌های پدر را ادامه داد و شهر را شکوفا و مجلل کرد. او در بالای میدان اجتماعات شهر، معبد خدای جنگ «آرس» را ساخت و در نیمه راه بین میدان شهر و معبد، آرامگاه خود را ساخت.

موزولوس مانند برخی دیگر از فرمانداران، شیفته فرهنگ و هنر یونانی بود، بنابراین هنرمندان یونانی را طی یک آگهی به مسابقه فراخواند تا زیباترین طراحی آرامگاه را از بین طرح‌های آنها انتخاب کند. برندگان این مسابقه دو معمار به نام‌های «سایترس» و «فیتئوس» بودند. آرامگاه بر روی یک پی بلند ۲۲ متری قرار می‌گرفت و ۳۹ ستون داشت که هر ستون هم ۱۱ متر

۱ کاریایی‌ها: کاریا سرزمینی در جنوب غربی آسیای صغیر بود. مردم آنجا علاقه زیادی به صنعت، علم و تجارت داشتند و در عهد هخامنشیان این منطقه جزو قلمرو ایران بود و جنگجویان آن در زمره سپاهیان ایران می‌جنگیدند.



هنرمندان پیکره‌تراش و معمار که تا آن زمان روی ساختمان کار کرده بودند نخواستند که چنین اثری نیمه‌کاره بماند و بنا را تمام کردند تا برای همیشه باقی بماند و آن را «برای تمام ابدیت» می‌دانستند. این بنا تا ۱۵۰۰ سال دوام داشت. در قرن دوازدهم میلادی، قسمت‌های بزرگی از بنا بر اثر زلزله تخریب شد و ۳۰۰ سال بعد هم جنگجویان صلیبی از خرابه‌های آرامگاه برای ساخت قلعه و برج استفاده کردند. در سال ۱۵۲۳ میلادی هم بر روی باقیمانده‌هایش، خانه‌های مسکونی ساخته شد. در سال ۱۸۵۷، باستان‌شناسان بریتانیایی تعدادی از این خانه‌ها را خریدند و در زیر خانه‌ها حفاری کردند و باقیمانده‌های بنا را از زیر خاک بیرون کشیدند. این قطعات، امروزه جزو ارزشمندترین قطعات نمایشی در موزه بریتانیا در لندن (انگلستان) به‌شمار می‌آیند.

سامیه بهشتی



منبع:

چرا و چگونه، کتاب‌های بنفشه، واحد کودکان و نوجوانان،
ترجمه بهروز بیضایی و دیگران

نام تو

باد توی گوش برگ چه گفت
لحظه‌ای که رنگ برگ زرد شد
لحظه‌ای که شعله‌های خنده‌اش
ناگهان فرو نشست و سرد شد

توی باغ‌ها چه چیز را نسیم
جار زد که خواب شاخه‌ها
شکست
بوته باز شعله ور شد و شکفت
ساقه‌های نازکش به گل نشست

باد توی گوش برگ‌های باغ
جمله‌ای نگفت غیر نام تو
شاخه پر ز برگ و گل نشد مگر
با نگاه گرم و با کلام تو
در سکوت این شب سیاه
باز هم تو خوب دیده می‌شوی
هرکجا نامی از تو می‌رود
مثل بادهای شنیده می‌شوی

بیوک ملکی

لحظه سبز دعا

چشمه‌ها در زمزمه
رودها در شست‌وشو
موج‌ها در همهمه
جوی‌ها در جست‌وجو
*

باغ در حال قیام
کوه در حال رکوع
آفتاب و ماهتاب
در غروب و در طلوع
*

سنگ، پیشانی به خاک
ابر، سر بر آسمان
مثل گنبد خم شده
قامت رنگین کمان
*

ابر در حال سفر
آسمان غرق سکوت
بر سر گلدسته‌ها
بال مرغان در قنوت
*

کاسه شب‌نم به دست
لاله می‌گیرد وضو
بیدها گرم نماز
بادها در های‌وهوی
*

سرو سر خم می‌کند
غنچه لب‌ها می‌کند
در میان شاخه‌ها
باد غوغا می‌کند
*

شاخه‌ها گل می‌کنند
لحظه سبز دعا
دست‌ها پل می‌زنند
بین دل‌ها و خدا
(قیصر امین‌پور)

مشخص کردن فعالیت های هفتگی:

تعیین فعالیت هایی که قرار است در طول یک هفته انجام شوند کمک زیادی به انجام هرچه بهتر آن ها می کند. می توانیم هر جمعه زمانی را برای فکر کردن در مورد فعالیت های هفته آینده اختصاص دهیم. حتی می توانیم درباره نوع کارها و نحوه انجامشان، با آموزگار و والدین مشورت کنیم. در این برنامه هفتگی، فعالیت ها در سه دسته کلی فهرست می شوند:

- کارهایی که باید انجام شوند (انجامشان ضروری است)
- کارهایی که دوست داریم انجام دهیم (می توانند با کمی تاخیر نسبت به کارهای دیگر نیز انجام شوند)
- کارهایی که می خواهیم انجام دهیم (فعالیت هایی مثل تماشا کردن تلویزیون یا گوش کردن به موسیقی)

همه این فعالیت ها در سه صفحه جاگانه از شنبه تا پنجشنبه یادداشت خواهند شد. در کنار آن زمان لازم برای انجام هر کار، و همچنین زمان آغاز و پایان کارها هم ذکر خواهند شد.

«وقت» همیشه مهم بوده، در گذشته، حال و آینده. عمر آدمی مجموعه ای از دقایق، ساعت ها، روزها، ماه ها و سال هاست که با استفاده بهینه از آن ها می توان به اهداف بلند زندگی دست یافت.

آیا شما، جزو آن دسته از افرادی هستید که تصمیم گیرنده و فرمانده خوبی برای زمان خود هستید یا نه، همیشه وقت کم می آورید و به کارهایتان نمی رسید؟ روش های بسیاری برای مدیریت و استفاد صحیح از زمانی که در اختیارمان گذاشته شده وجود دارند که افراد بنا به سن، موقعیت تحصیلی و شغلی خود این تکنیک ها را به کار می گیرند.

اما قبل از هر کاری، نکته مهمی را به خاطر می سپاریم: «زمانی که به عنوان عمر به من هدیه شده است، مختص من است و هر پیشرفتی که می کنم از مقایسه خودم با ماه ها و سال های گذشته خودم حاصل می شود نه از مقایسه با دیگران.»

برای برنامه ریزی کارهای کوتاه مدت و بلندمدت و استفاده از زمان، شاید لازم باشد در ابتدای کار، از آموزگار یا والدین هم کمک بگیریم. بهتر است برای شروع، تکنیک های اولیه را به کار بندیم تا پس از تمرین در این موارد اساسی، بتوانیم سایر تکنیک ها را برای مدیریت بهتر زمان به کار بندیم.

برای ثبت فعالیت هایی که هر روز و هر ساعت انجام می دهیم، داشتن یک تقویم فکر خوبی توصیه می شود که اهل نوشتن هستند و کاغذ و خودکار و مداد را دوست دارند. یک توصیه خوب گوشه همراهشان و یا استفاده از اپلیکیشن های مختص مدیریت زمان است. چند نمونه از اپلیکیشن های مدیریت زمان، به شرح زیر هستند:

Any.Do: به شما امکان ایجاد لیست‌های روزانه و یادداشت‌برداری‌های معمول را می‌دهد. به‌وسیله Any.Do می‌توانید تماس برقرار کنید، پیامک بفرستید و حتی سفرهایتان را برنامه‌ریزی کنید.



PlanMyDay: کمکتان می‌کند کارهایتان را براساس درجه اهمیت اولویت‌بندی کنید. همچنین می‌توانید مدت زمانی را هم که صرف انجام دادن هر کاری می‌کنید در این اپلیکیشن ثبت و ضبط کنید.



Google Keep: با این اپلیکیشن می‌توانید صدای خودتان را ضبط کنید و رونویسی از آن را به اپلیکیشن بسپارید. همچنین امکان ساخت لیست، یادداشت‌برداری و حتی افزودن عکس به یادداشت‌های خود را در این اپلیکیشن دارید.



Remember the Milk: با این اپلیکیشن به‌سادگی می‌توانید فهرست‌های اولویت‌بندی‌شده خودتان را ایجاد و مدیریت کنید و همچنین قادرید لینگ، مکان و غیره به آنها الصاق کنید. همچنین می‌توانید مدت زمانی تقریبی را که حدس می‌زنید صرف هر کدام از کارهایتان می‌کنید در این اپلیکیشن وارد کنید.



Time Tune Schedule Planner: فراتر از برنامه‌ریز عادی است. درواقع با استفاده از این برنامه و امکاناتی که در اختیارتان قرار می‌دهد همیشه یک پله جلوتر از برنامه‌ریزی‌های روزانه خود خواهید بود. علاوه بر امکانات مرسوم که این اپلیکیشن برای مدیریت کارها در اختیارتان می‌گذارد، به شما امکان برنامه‌ریزی و ارسال آن را به دیگران هم می‌دهد. نوتیفیکیشن‌های سفارشی نیز در این اپلیکیشن قرار داده شده تا به‌هیچ‌عنوان کاری را فراموش نکنید.



البته اپلیکیشن‌های معرفی‌شده، فقط پنج‌تا از برنامه‌هایی هستند که به برنامه‌ریزی بهتر و مدیریت زمان کمک می‌کنند. شما می‌توانید برنامه‌های کاربردی دیگر را همراه تبدیل به وسایلی کاربردی شوند و از تلف کردن زمان ارزشمندمان جلوگیری کنیم.

تهیه‌کننده: لیلا زند

چربی و قند

خدا حافظ قند تلخ!

قند تلخ؟ واژه‌هایی که به‌تازگی بر روی تابلوهای بزرگ در سطح شهر زیاد به چشم می‌خورند. حبه‌های قند، انواع شیرینی و نوشابه‌ها هم تصاویری هستند که در کنار این واژه‌ها به چشم می‌خورند. پس، لطفاً در کنار مصرف قندهای شیرین، از قند تلخ فاصله بگیرید و مراقب تلخی و رنج آن هم باشید. قند تلخ نامی است که به بیماری دیابت داده شده؛ بیماری‌ای که به دلیل اختلال در جذب قند خون ایجاد می‌شود. در قدیم، این بیماری بیشتر سراغ بزرگترها و سن و سال‌دارها می‌رفت. اما در سال‌های اخیر تعداد زیادی از کودکان و نوجوانان هم به این بیماری مبتلا می‌شوند. پس لازمه شکست بیماری، اجرای قوانین ساده‌ای است که از بیماری پیشگیری یا آن را کنترل کنیم چرا که این بیماری، تنها محدود به اختلال قند خون نمی‌شود و بر روی بسیاری از اعضای بدن و عملکرد آنها تاثیر منفی دارد.

علامت دیابت: دستشویی رفتن زیاد، گرسنگی شدید، تشنگی زیاد، تغییر وزن، خستگی زیاد، تاری دید.

چگونه مبتلا می‌شویم؟

در بدن افراد سالم، هورمونی به نام انسولین تولید می‌شود که باعث جذب قند خون و تولید انرژی در بدن می‌شود. اگر در این روند به دلایل محیطی، ارثی و ژنتیکی اختلالی ایجاد شود، ممکن است باعث ایجاد دو نوع دیابت شود:

دیابت نوع ۱: رسوب بیش از حد گلوکز (قند خون) در افرادی که هورمون انسولین در بدنشان تولید نمی‌شود.

دیابت نوع ۲: مقاوم شدن بدن نسبت به انسولین. هرچند انسولین تولید می‌شود اما تاثیری بر جذب قند خون و تبدیل آن به انرژی ندارد.

چگونه

مبتلا نشویم؟

به‌جز عوامل وراثتی و ژنتیکی، دور ماندن از این بیماری بسیار ساده و راه حل آن در اصلاح سبک زندگی و رعایت چند اصل همیشگی است. رعایت این قوانین ساده، به بهبود شرایط جسمی و روحی کمک می‌کند و علاوه بر دیابت، سایر بیماری‌ها را از ما و خانواده‌هایمان دور می‌کند.

تغذیه صحیح و تحرک بدنی نقش بسیار موثری در پیشگیری از این بیماری دارند. پس با قندهای اضافه، قندان‌ها، نوشابه‌ها و انواع چیپس‌ها و پفک‌ها تا حد امکان خدا حافظی کنیم و به شیوه‌های سالم زیستن سلام کنیم.

قوانین مهم: آموزش، تغذیه، ورزش.

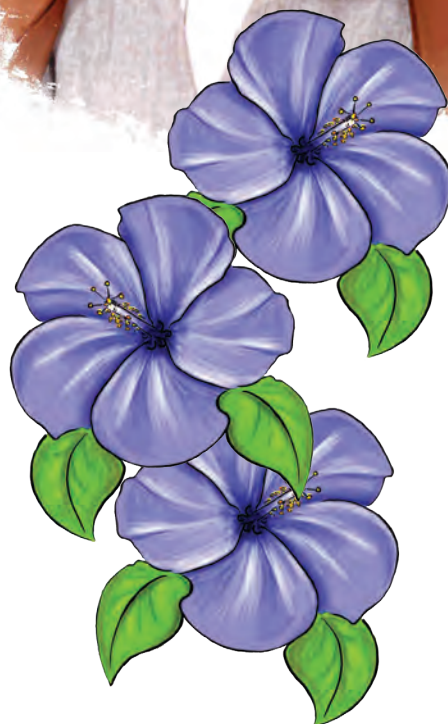
اگر قرار است وزن کم کنیم یا وزن خود را ثابت نگه‌داریم: فعالیت بدنی حداقل ۶۰ دقیقه در روز البته اگر در خانه هستیم با رعایت حال همسایه‌ها کم کردن کالری روزانه با نوشیدن آب به‌جای آب‌میوه‌های صنعتی و نوشابه‌ها کم کردن حجم هر وعده غذایی و افزودن به تعداد وعده‌های غذا آهسته غذا خوردن نوشیدن مقداری آب قبل از غذا پر کردن نصف بشقاب با سالاد و سبزیجات استفاده کمتر از سس و روغن میوه به‌جای دسرهای شیرین ضروری بودن خوردن صبحانه خوردن سالاد و سبزیجات هله هوله ممنوع! خوردن میوه، سبزیجات، غلات با شیر کم‌چرب و میوه‌های خشک اعتدال در خوردن غذاهای بیرون. بهتر است به‌جای همبرگر با پنیر پیتزا و سس زیاد، همبرگر ساده یا ساندویچ مرغ کباب‌شده سفارش داد. خوردن دو یا سه تکه پیتزا هم کافیست.

استقلال و نوآوری



بنیانگذار انقلاب، امام خمینی (ره) بر حفظ استقلال و از سویی اصلاح مملکت و بیداری در مقابل توطئه‌های دشمن تاکید بسیار داشتند. تاکید ایشان بر استقلال، به اندازه‌ای بود که محاصره اقتصادی ایران از سوی آمریکا را یک پیروزی بزرگ برای ملت ایران می‌دانست تا به این ترتیب، جوانان و متخصصان داخلی، نوآوری و اختراعات خود را بروز دهند. ایشان فرمودند:

«حصر اقتصادی، جوانان ما را بیدار کرد و فهمیدند خودشان باید کار کنند و زحمت بکشند تا احتیاجی به خارج نداشته باشند. فرزندان عزیزم! دیگر این شما نیستید که باید هر چه بیشتر کوشش کنید تا نهال آزادی و استقلال کشور را آبیاری کنید. شما جوانان، باید با وحدت کلمه، با اسلام، با ایمان از این نهضت تا اینجا که آمده‌اید، از اینجا به بعد هم جلو بروید. باید همه ریشه‌های استبداد و استعمار را از این مملکت پاکسازی کنید. این مملکت باید به نیروی شما جوانان اصلاح شود. از جوانان، دختران و پسران می‌خواهم که استقلال و آزادی و ارزش‌های انسانی را، ولو با تحمل زحمت و رنج، فدای تجملات نکنند. شما جوانان برومند، شما محصلین ارجمند که امید من هستید و نوید من هستید، باید در هر جا که هستید، در هر جایی از ایران که هستید، باید بیدار باشید، با بیداری از حقوقتان دفاع کنید.»



بیانات رهبری در دیدار با جمعی از دانش آموزان



به شما جوانان هم به عنوان فرزندان عزیز و پاره‌های دل این ملت جداگانه می‌گوییم: عزیزان من! کار کنید. امروز دشمنان نمی‌خواهند دانشگاه و درس و مدرسه و معلم باشد. دشمنان ما نمی‌خواهند میلیون‌ها جوان با درس خواندن و حفظ ایمان و رستگاری و پارسایی و پاکدامنی‌شان، در این منطقه فردای شکوهمندی را برای ایران مقتدر به وجود آورند. می‌دانند اگر این نیروی عظیم این‌طور کار کند، فردای نه چندان دوری، عظمتی از این منطقه سر بر خواهد آورد که دشمنان از این‌که بتوانند به آن زور بگویند، مأیوس خواهند بود. من اصرار دارم که شما نقطه مقابل این خواست استعماری و استکباری عمل نمود، ایمان و پاکدامنی‌تان را حفظ کنید، درستان را خوب بخوانید و جوانی‌تان را قدر بدانید. این نیرو و این نشاط باید در راه به دست آوردن این ارزش‌های والا خرج شود؛ وقتش هم الان است. شما امروز در سال‌های طلایی عمر خود قرار دارید و خدای متعال هم به شما کمک خواهد کرد. از این فرصت خوب زندگی و از دامن گرم و مهربان نظام اسلامی و انقلاب اسلامی - که بحمدالله توانسته این همه جوان مؤمن و خوب را در درون خود پرورش دهد - بهترین استفاده را بکنید. همان‌طور که گفتم، جوانان ما خوبند. خطاها و لغزش‌ها وجود دارد؛ مخصوص جوانان هم نیست. جوانان این امتیاز را دارند که می‌توانند با استغفار و بازگشت به آغوش خداوند و رحمت الهی، هرگونه آلودگی را از دامن خود پاک کنند. کار جوانان از این جهت آسان‌تر از سالخوردگان است. البته جوانی که سعی کند به گناه و لغزش آلوده نشود، توفیقات و نورانیت و درخشندگی او بسیار بیشتر خواهد بود؛ همه تلاشتان باید این باشد. بنده هم وظیفه دارم پدرا نه شما را دعا کنم و می‌کنم.

ولادت حضرت زینب (س)
وروز پرستار

والله اعلم بالصواب



روزگار مبارکباد

